

فدایی قهرمان، بیژن مجلد نوبری زیر شکنجه به شهادت رسید



دوشنبه ۱۶ دی ۱۳۶۴ برابر ۶ ژانویه ۱۸۹۶
به ۶۰ ریال - سال دوم - شماره ۸۹

(رفیق علیرضا) ۲۰ سال پیش در شهر تبریز بدنیآ آمد و پس از ورود به دانشکده فنی دانشگاه تبریز تحت تاثیر مبارزات قهرمانانه فدائیان خلق علیه رژیم آمریکایی شاه به مبارزات صنفی-سیاسی دانشجویان پیوست، به مارکسیسم-لنینیسم گروید و در کنار فدائیان خلق جای گرفت. در پی ضرباتی که در سال ۵۴ به سازمان وارد شده بود، رفیق علیرضا همراه با رفیق سعید (ابراهیم لطف الله زاده) اقدام به تشکیل یک گروه می کنند. این گروه در هدایت اعتصابات دانشجویی نقش فعالی را ایفا کرد. سپس رفیق نوبری همراه با همزمانش تصمیم گرفتند برای بالا بردن بقیه در صفحه ۲

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در تاریخ ۲۵ آذر ماه با انتشار اطلاعیه ای خبر شهادت سه تن از اعضای سازمان را اعلام کرد. طبق این اطلاعیه علاوه بر رفقا شیرخانی و ابراهیم لطف الله زاده (که خبر شهادتشان همراه با خبر شهادت رفیق نوبری در اکثریت شماره ۸۵ آمده بود)، رفیق بیژن مجلد نوبری نیز از گروه فدائیان است که در چند ماه گذشته به شهادت رسیده اند. تشریح کار شماره ۲۳ که این اطلاعیه را درج کرده است خاطر نشان ساخت که رفیق نوبری در زیر شکنجه شهید شده است. در مقاله ای که در ارگان مرکزی سازمان به همین مناسبت چاپ شده، آمده است که رفیق نوبری

بیام مشترک کمیته مرکزی حزب توده ایران و کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

اعتراض علیه شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی را راسا ترسازیم!

مطبوعات مرفقی را سال هاست تعلیل کرده اند. اعمال ستم بر اقلیت های ملی و مذهبی بیداد می کنند. حکومت با ارتجاعی ترین روش ها زنان را مورد تحقیر و توهین قرار می دهد. دهها هزار نفر را به صرف پایبندی به عقایدی جز آنچه که مورد تایید رژیم حاکم است، به زندان افکنده اند.

زندانیان سیاسی را در ایران مورد شکنجه های طولانی جسمانی و روانی قرار می دهند. در بسیاری موارد بدون هیچگونه محاکمه ای زندانیان به جوخه اعدام سپرده می شوند. در تمام موارد زندانیان از حق دفاع از خود و از حق داشتن وکیل مدافع محرومند. همه متهمین بلا استغنا! مخفیانه محاکمه و محکوم بقیه در صفحه ۲

با خشم و نفرت بیکران اعلام می کنیم که بار دیگر گروهی از اعضای رهبری و کادرهای مسئول سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران همراه با عده بازهم بیشتری از فرزندان مبارز مردم زجر دیده و بلا کشیده ایران به حکم رژیم جمهوری اسلامی به جوخه اعدام سپرده شده و یازیر شکنجه جان باخته اند.

رژیم جمهوری اسلامی ایران حتی ابتدایی ترین حقوق آزادی های سیاسی و اجتماعی مردم را وحشیانه لگدکوب می کند. در میهن ما تمام احزاب، سازمانها و هر نوع فعالیت سیاسی و حتی سندیکایی زیر خشن ترین پیگرد های پلیسی قرار دارند. اعتصابات و اعتراضات کارگری و اجتماعات مسالمت آمیز و راهپیمایی های مردم سرکوب می شود.

حاکمیت دزدها

سهمیه مناطق ویران شده در استان را بر اثر حملات هوایی، قبل از این که وارد استان شود، در بازار آزاد به فروش رساندند. وقتی که تعداد قابل توجهی از این قبیل دزدی ها افشا گردید، آقای استاندار و معاونین وی به وزارت کشور در تهران فراخوانده شدند تا عهده دار سمت های جدیدی شوند. اما مدیر کل اداره بازرگانی حاضر نبود به راحتی از خوان بغمای این استان چشم ببوشد. او به عنوان دست مریزاد سو استفاده عایش، این امتیاز را یافت که جزو سهمیه دولتی راهی سفر حج شود. او در تدارک مقدمات سفر بود که دوباره چند فقره از دزدیهای تازه اش افشا گردید. این جناب و ایادیش در چندین مورد کالاهای سهمیه ای استان، به عنوان بقیه در صفحه ۲

در رژیم ولایت فقیه، همه نان به نرخ روز خوردها به ریش و نسبیج متوسل شده اند و چنان غارتگری می کنند که به لحاظ وسعت و دامنه فساد و دزدی و رشوه خواری بدشواری می توان متاثری برای آن یافت. هر شهر و منطقه ای، تیول باندی از دزدهای نام و نشان دار حرفه ای شده است. دست یکی که رومی شود، حتما یک بدل از پیش برای خود تهیه کرده است. خرم آباد از جمله این شهرهاست. استانداری و اداره بازرگانی این شهر مهمترین مامن دزدهای متشرع است. در سال گذشته چندین قلم از دزدی های "عابدینی" استاندار و معاونین وی و نیز سو استفاده های کلان" برخوردار شد. مدیر کل اداره بازرگانی استان افشا گردید. به عنوان نمونه این آقایان ملی یک فقره دزدی ۱۴۰۰ تن آهن

رژیم در بلوچستان اعتیاد می گستراند

چندی پیش از طرف اداره آموزش و پرورش سیستان و بلوچستان، بخشنامه ای به کلیه ادارات تابعه صادر شد. این بخشنامه از ادارات دولتی می خواهد که به کارمندان معتاد، مهلتی سه ماهه داده شود تا ترک اعتیاد کنند و در غیر اینصورت در پایان این مدت تمامی آنان را از کار بیکار نمایند و قابل ذکر است که قبلا در سال ۶۲ نیز یکبار از طرف مدیریت مرتجع این اداره تعداد زیادی از معلمان و کارمندان به جرم اعتیاد اخراج شده بودند. اکنون بر اساس بخشنامه فوق، تنها در اداره آموزش و پرورش شهرستان چاه بهار به حدود دویست نفر از کارکنان تنگدست و قربانی سیاستهای همین رژیم اولتیماتوم سه ماهه داده اند. در شهرستانهای دیگر نیز وضع کمابیش به همین منوال است. بقیه در صفحه ۲



آنجلادیبوس در مصاحبه با اکثریت؟ زنان زندانی ایرانی باید آزاد شوند!

رفیق آنجلادیبوس، زن مبارزو کمونیست پر سابقه آمریکایی نامی آشنا و چهره ای محبوب در جنبش کارگری و اتحادیه ای، جنبش صلح، جنبش زنان و جنبش سیاهان علیه تبعیض نژادی است. وی عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست آمریکا است. رفیق آنجلادیبوس در انتخابات ریاست جمهوری به عنوان کاندیدای معاونت ریاست جمهوری و همراه انتخاباتی رفیق کس هال معرفی شد. وی اولین زنی بود که در تاریخ آمریکا نامزد معاونت رئیس جمهوری شد.

چندی پیش، رفیق آنجلادیبوس در مصاحبه کوتاهی با خبرنگار "اکثریت" شرکت کرد. متن مصاحبه را در صفحه ۱۰ می خوانید

در این شماره

- * سلسله بی فرجام جنایت در صفحه ۶
- * ... و این آزمون آخرین نبود در صفحه ۱۲
- * در بیمارستانهای دولتی نیز هزینه درمان بر عهده بیمار است در صفحه آخر
- * سرقت ادبی! در صفحه ۱۴
- * فالانژ بازی! در صفحه ۱۴

سازمان مستگراستوار زنان برای مبارزه در راه برابری و پیشرفت اجتماعی در صفحه ۸

زنده باد آزادی، مرگ بر خمینی!

فدایی قهرمان

بیژن مجد نوبری

قابلیتهای انقلابی خویش به فلسطین برآورد. در لبنان رفیق سعید و رفیق علیرضا به "جبهه خلق برای آزادی فلسطین" پیوستند. شامت، شجاعت و قاطعیت رفیق علیرضا در میان رزمندگان فلسطینی و ساکنان جنوب لبنان پیچید. او که از همانجا به نام "علیرضا" شناخته می شد به یکی از سازمانگران برجسته مقاومت در برابر اشغالگران اسرائیلی بدل شد.

با انقلاب رفیق علیرضا به مهبین بازگشت و در تبریز - شهر زادگاهش - به صفوف سازمانش پیوست. و به پیشبرد یک رشته وظایف نظیر و بسیار حساس پرداخت. رژیم که به موقعیت حساس او واقف شده بود در صدد نابودی این رفیق برآمد. در سال ۵۸ پاسداران یکی از کمیته های تبریز با اجرای توطئه ای رذیله رفیق بیژن نوبری را ربودند و به یک زندان مخفی در تهران منتقل نمودند.

ربایندگان او را تحت شکنجه قرار دادند تا به اطلاعات سری و مهم سازمانی دست یابند. مأمورین جمهوری اسلامی از آنجا که مضم به سر به نیست کردن رفیق بودند، ستاریوبی را که سر هم بندی کرده بودند در روزنامه ها منتشر ساختند که گویا این رفیق به دست دموکراتها در کردستان اسیر شده است. اما هشجاری و جسارت انقلابی رفیق بیژن آنان را ناکام گذاشته و شدت رسوا ساخت. رفیق بیژن با دست زدن به اقدامی جسورانه از چنگ آنان گریخت و این توطئه را فاش ساخت که در همان زمان در نشریه "تار درج" شد.

رفیق نوبری در فروردین ماه سال ۶۱ بار دیگر بدست پاسداران اسیر شد. او در برابر همه شکنجه ها مانند یک فدایی سرفرازانه ایستادگی کرد تا جان باخت.

اقدام دلیرانه رفیق نوبری در فرار از چنگ پاسداران در سال ۵۸ و افشاکریهایی که در پی آن صورت گرفت، نقش بسزایی در رسوایی سرتجیعین حاکم بر جای گذاشت. سازمان ما در آن زمان با انتشار الملاحیه ای جریان توطئه ای را که علیه جان این رفیق چیده بودند به اطلاع عموم رساند. کلیشه بخشهایی از این الملاحیه را مشاهده می کنید.

شماره ۳۵

دوشنبه ۲۱ آبان ۱۳۵۸

خلقهای مبارز ایران!

روز اول آبانماه روزنامه جمهوری اسلامی و سایر روزنامه های تهران به نقل از خبرگزاری پارس از کرمانشاه خبری را منتشر کردند حاکی از اینکه روز ۲۶ مهرماه هنگامی که پاسداران بیژن نوبری (عضو سازمان - شاخه تبریز) را برای محاکمه به کرمانشاه انتقال می دادند در راه بوکان مورد حمله مسلحانه اعضای حزب دمکرات قرار گرفته و موفق به فرار دادن او می شوند خبر اضافه می کرد بیژن نوبری در ایین حادثه زخمی شده و دو پاسدار و محافظ وی نیز جراحاتی برداشته اند سازمان قبلا اطلاع یافته بود که رفیق روز پنجشنبه ۲۶ مهرماه در تقاطع خیابان مسان متحدین - ۱۷ شهر یور شهر تبریز دستگیر شده است.

مدت یک هفته بعد از بودن رفیق در تبریز و ۴ روز بعد از انتشار خبر روزنامه ها یعنی روز پنجشنبه ساعت ۵ بعد از ظهر پس از تماس با سازمان اطلاع می دهد که ساعت ۴ بعد از ظهر همان روز (۲۳ آبان ۵۸) موفق شسیده است از شکنجه گاهای در تهران که پاسداران او را در آن مخفی کرده بودند، بگریزد و به جنبش پیوستد او بلافاصله گزارش مشروح موقوف را در اختیار سازمان قرار داد که خلاصه آن چنین است.

رفیق نوبری ساعت ۸ صبح پنجشنبه ۲۶ مهر در یکی از محله های تبریز مورد تعقیب دوتفرقار میگیرد (یکی از آن افراد شخصی بود بنام حمید سلیمی که اکنون یکی از مسئولین سیاه پاسداران در تبریز است) و چند دقیقه بعد در تقاطع خیابان متحدین - ۱۷ شهر یور توسط یکی از آنها که مسلح به کلت بود پس از مدتی کشمکش باز داشت و به کمیته آزادی (یکی از کمیته های تبریز) منتقل شده و به سیاه پاسداران تحویل داده می شود.

ساعت ۱۲ همان شب رفیق را به ارومیه می برند. در آخرین ساعات روز ۲۷ مهر به سراغ او آمده و با چشم بسته او را به یکی از خانه های اشرافی فتودالهای خوی بردند اعتصاب غذا، رفیق را بسیار ضعیف کرده بود. در آن حالت پاسداران طرجهائی برای ترور رفیق می کشیدند.

توطئه ای که علیه یکی از اعضا، سازمان چریکهای فدائی خلق ایران طراحی شده بود در حالیکه رفیق مادر جنگ پاسداران اسیر بود و در مخفیگاهی نزدیک پارک شهر تهران زندانی شده بود، رژیم حاکم با استفاده از شیوه های قبلی ساواک اعلام کرد او را دمکراتها در راه بوکان ربوده اند!

پس از چند ساعت توقف در خوی مستقیما به سوی تهران حرکت و صبح روز ۲۸ مهر به تهران می رسند در تهران دوباره چشمان رفیق تر می بندند و ساعتی بعد (۱۰ صبح) او را در یک بزمین ذریک اطاق کوچک دارای یک لایب کوچک و یک تخت خواب حبس می کنند. در اینجا او متوجه می شود که از ابتدای بودن وی کوشش زیادی به عمل آوردند که کسی متوجه دستگیری وی نشود.

رفیق از این ساعت به بعد تا روز پنجشنبه سوم آبانماه ساعت ۱۰ صبح در اطاق زندانی بوده است.

در این ساعت وی موفق می شود با کندن دو آجر از دهانه مجرای عبور لوله های تاسیسات ساختمان که از بالای در ورودی اطاق می گذشت از آن بیرون آمده، پس از ساعت تلاش بالاخره از محوطه محصل اسارت خود خارج و ساعتی بعد به سازمان می پیوندد. این عین خلاصه وقایعی است که در طی یک هفته بر رفیق گذشت.

از آنجا که این واقعه دیده از شکل گیری سازمانی جنایتکار بر میآورد که شکار سوسه نیست کردن انقلابیون را هدف خود قرار داده است، سازمان تصمیم گرفت با انتشار جریان موقوفه را اعلام آن به همه خبرگزاریها، مراجع حقوقی توطئه های کثیف و وحشیانه ای را که از نتایج برای سرکوب انقلابیون تدارک دیده است افشا نماید.

مردم ایران از سالها پیش با این حيله کثیف و فاشستی ساواک و جانیتهای جولناک آن شناسایی دارند. شهرانی جلاد در جریان محاکمه خود اسرار قتل ناچوان مردانه فدائیان خلق منصور فرشی و محمود نمازی را فاش ساخت. او توضیح داد در حالیکه آنها اصلا مسلح نبودند و صحیح و سالم بازداشت شده بودند، ساواک اعلام کرد که در درگیری مسلحانه با مأمورین منصور شهید و محمود بدست زخمی شده و حال وی وخیم است و سپس هر دو رفیق دلیر را برای گرفتن اقرار از آنقدر شکنجه کرد که هر دوی بر شکنجه شهید شدند. رژیم شاه هم اعلام کرد رفیق شهید بیژن جزنی و هشت نفر دیگر می خواستند از زندان بگریزند که هدف گلوله واقع شدند. این

در زمان زندان، فدائی شهید، معلم زحمتکش و نداد ایمانی را دشمن می زنی و یک روز در کمرمان میر شکاری ها را به گلوله می بندند، یک روز در کرمانشاه گریه بیانی ها را توطئه گرانه شهید می سازند و امروز طرح خود را برای شکار کردن و سر به نیست کردن دیگر انقلابیون راه آزادی طبقه کارگر به اجرامی گذارند اما در این میان توطئه ای که برای ربودن بیژن نوبری، شکنجه و قتل وی تدارک دیده شده بود، از تمام نمونه های دیگر متجاوز است.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران نظر به اهمیت مسئله و عواقبی که سکوت در برابر این جنایت است سازمان یافته و احیاساواک در سرنوش مردم مستعدیده مهبین ما دارد و وظیفه خود میداند که به پیکرانه نقشه های پنهانی این توطئه گریه های سازمان یافته رژیم را افشاکند و در این راه سازمان ما از تمام نیروهای مبارز انقلابی، از همه عناصر آزادیخواه و مترقی، از تمام سازمانهای سیاسی پیشرو می خواهد که در برابر شکل گیری این دستگاههای مخوف و مردم کش به اعتراض برخیزند.

باید جزئیات این طرح توطئه گرانه تولید و مجریان و مسئولین، طراحان و فرماندهان آن به مردم ایران معرفی شوند. سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بدین وسیله اعلام می دارد آماده است تا با ارائه تمام شواهد و مدارک در حضور خبرنگاران، نمایندگان سازمانهای سیاسی و حقوقی هر نوع اطلاع دیگری را که برای افشای جزئیات این توطئه ضروری باشد، در اختیار هم میهنان قرار دهد.

جاودان باد خاطره شهیدان به خون خفته خلق!

پیام مشترک :

اعتراض علیه شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی را راسا سازیم!

بقیه از صفحه اول

می شوند. رژیم حتی از تحویل اجساد زندانیان و وصیت نامه های آنها، حتی از تایید رسمی خبر اعدام ها هم اجتناب می کند. رژیم به زور شکنجه های طاقت فرسا می کوشد زندانیان را وادار سازد عقاید خود را انکار و ایدئولوژی و سیاست ارتجاع حاکم را تایید کنند. فقط طی ماه های اخیر صدها نفر به اتهام دفاع از صلح و دموکراسی، به اتهام دفاع از حقوق کارگران، دهقانان، زنان و اقلیت های ملی و مذهبی و به اتهام پایبندی به عقاید مارکسیستی اعدام شده اند. قلم نامه چهلمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد در باره نقض حقوق بشر توسط جمهوری اسلامی ایران نمونه ای از اعتراض جهانی علیه کشتار تبهکاریهای رژیم ایران است.

ما با انزجار عمیق این رفتار

کمیته مرکزی حزب توده ایران
کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق
ایران (اکثریت)

۲۸ آذرماه ۱۳۶۴

ما با انزجار عمیق این رفتار

حاکمیت دزدها

بقیه از صفحه اول

نوسه ۲۵۰ دستگاه تلویزیون رنتی و پانزده هزار نوار کاست را مخفیانه در بازار آزاد به فروش رسانده و سودهای کلانی به جیب زده بودند.

دست است که دزدی در اداره بازرگانی و استانداری خیلی پر منفعت است اما سو استفاده منحصر به این ادارات نیست. در هیچ یک از ادارات بدون دادن رشوه به باندی که در رأس این یا آن آقای شیخ و رئیس و مدیر کل نشسته است نمی توان کاری از پیش برد. گرفتن گواهی نامه رانندگی را مثال می رژیم. در این چند ساله بخاطر بیکاری فراگیر تعداد متقاضی برای گرفتن گواهی نامه بالا رفته است. راهنمایی و رانندگی شهربانی استان با انبوه مراجعینی مواجه است که در برابر اداره صف کشیده اند. صفها کار دلایهارا آسان می کند. گواهی نامه پایه یک ۲۰ هزار تومان و گواهی نامه پایه دو ۱۰ هزار تومان! باند سرهنگ نظامی رئیس شهربانی استان و ایادی وی ۷۰۰ گواهی نامه با قیمت های فوق صادر کرده اند. حساب کنید چه پول باد آورده ای را بالا کشیده اند.

در این شرایط جنگی مسلما متقاضی کارت پایان خدمت بیش از کارت رانندگی است و طبیعی است که در حوزه نظام و وظیفه استان مسئولین سیاسی به نان و نوا برسند. اخیرا مشخص شد که مقادیر زیادی کارت معافیت و پایان خدمت از قرار دانه ای سی هزار تومان از سوی حوزه نظام و وظیفه این استان، صادر گردیده

رژیم در بلوچستان اعتیاد می گستراند

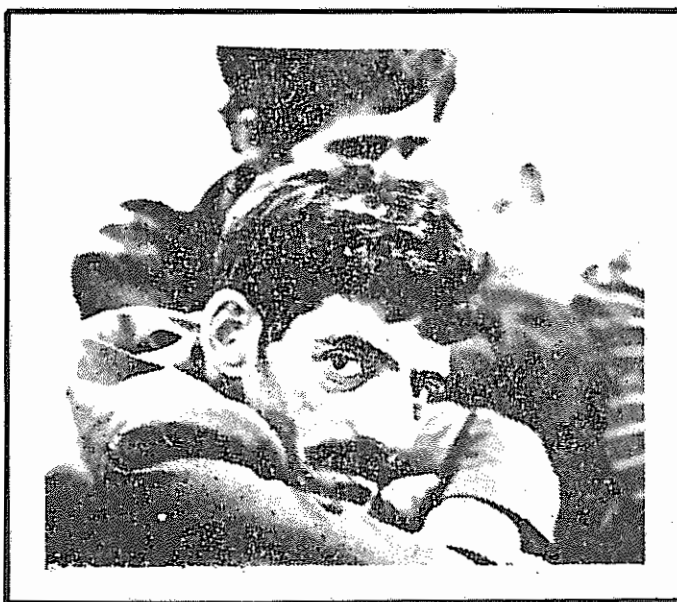
بقیه از صفحه اول

خبر فوق نشانگر حد گسترده کی اعتیاد در این استان محروم است. اکنون بخش بزرگی از جوانان بلوچستان به این بلا ی خانمانسوز مبتلا شده اند. کوچه و خیابان که سهل است، حتی در مدارس نیز بساط اعتیاد گسترده شده است. کارگران بیکار شده، دهقانان ترک زادگاه گفته و زحمتکشان آواره و خلاصه خانواده های دردمند زیادی در دام این بلا ی همتی سوز قرار دارند. در این استان رژیم خمینی و کارگزارانش، مواد مخدر را به قیمت ارزان در اختیار همه قرار داده اند، بگونه ای که امام جمعه زاهدان نیز، این استان را "بهشت معتادان" خوانده است. کوچه و خیابان شهرهای این استان مملو از تصاویر نیستی یک نسل در "بهشت معتادان" است.

تمام اینها هم زیر علم رژیم ولایت فقیه صورت می گیرد. رژیمی که، مدعی مبارزه با اعتیاد نیز می شود. ادعای رژیم خمینی در مبارزه با مواد مخدر، حکایت دزدی راهی ماند که پس از سرقت بمنظور رد کم کردن، نعره می زند: آید! آید! آید! دزدا! باصلاح مبارزه رژیم با مواد مخدر، راه انداختن چندین کمیته "مبارزه" با مواد مخدر بوده که در اس آنها "حاجی بهرام" این قاچاقچی سابقه دار و "مقلد فقیه" قرار دارد. رژیم، اگر یک نفر را بخاطر چند گرم هروئین اعدام می کند در همانحال دست قاچاقچیان عمده را باز گذاشته

است. و اگر احیانا قاچاقچی سابقه دار و عمده ای همچون "حاجی ملکی" از سر اتفاق دستگیر شود، تنها زندانی می شود تا نوبت فراری دادن او از زندان فرا رسد، کما اینکه چندی پیش باهدستی مسئولین رژیم در منطقه چهار قاچاقچی عمده را با صحنه سازی از زندان فراری دادند. کمیته های مبارزه با مواد مخدر و ارگانهای قضایی آشکارا و بی پرده با قاچاقچیان همکاری می کنند. یکی از موارد افشا شده آن، جریان رشوه گیری حاکم شرع زاهدان از قاچاقچیان بود. این شخص پس از اینکه رسوایش از حد گذشت ناچار به فرار و ترک محل گردید. رژیم اکنون مجبور شده از مشهد حاکم شرع دیگری به این منطقه صادر نماید.

علیرغم تبلیغات عوامفریبانه ای که رژیم هراز چندگاه به آن دست می زند، مردم وقتی که می بینند مواد مخدر به راحتی در شهرها توزیع می گردد، اکثر قاچاقچیان عمده در همکاری با رژیم به راحتی از همه امکانات برخوردار هستند، کمیته جی ها و دست اندرکاران و بیدادگاهها خود از توزیع کنندگان اصلی مواد مخدر هستند، سیستم و بلوچستان به جولانگاه باندهای آدمکش، فاسد و قاچاقچی افغانی تبدیل شده است و بالاخره هنگامی که می بینند اعتیاد در این استان در چند سال اخیر تا چندین برابر گسترش یافته، شک نمی کنند این خود رژیم جمهوری اسلامی است که اعتیاد می گستراند



چهره دردمندی یکی از انبوه قربانیان رژیم تبهکار و اعتیاد گستر خمینی

است.

اداره قند و شکر شهرستان خرم آباد نیز دزدبازار است. آخرین فساد کشف شده در این اداره دزدی ۵۷ تن قند و شکر است که در بازار آزاد از ۶۰ کیلوپی ۶۰ تومان به مردم فروخته شده است.

این دزدی ها که رومی شود بر سر دزدان چه می آید؟ وقتی عده ای دزدان کهنه کار و غدار رئیس دادگاه و حاکم شرع و مسئول قوه قضائیه باشند، تکلیف روشن است. آنها خود شریک این سو استفاده های کلان هستند و می دانند چگونه سر و صدای یک پرونده را بخوابانند. یکی از مهمترین مرهای در آمد مسئولین دادگاهها اشاعه قاچاق به صورت مستقیم و غیر مستقیم است. وقتی یک قاچاقچی بزرگ دستگیر می شود، برای آزاد شدن خود رشوه کلانی می پردازد، برای استمرار این رشوهها باید قاچاق مواد مخدر رونق داشته باشند، به این ترتیب دادگاهها و مسئولین و ضابطین آن همگی به صورت اشاعه دهندگان مستقیم و غیر مستقیم قاچاق مواد مخدر در آمده اند. آخوندی به نام شیخ عباسعلی صادقی که مدتها از مسئولین اصلی قوه قضائیه در استان لرستان بود، از این قبل، ثروت بسیار کلانی اندوخت. این آخوند در یک مورد ایادی اصلی باندی را که از آنها ۴ تن تریاک کشف شده بود، با گرفتن رشوه از زندان آزاد ساخت.

آنچه که در بالا به آن اشاره کردیم تنها چند فقره دزدی افشا شده است. "امدادهای غیبی" نیز نمی تواند میزان افشا نشده ها را حساب کند.

مذاکرات خصوصی موسوی و اوزال

تورکوت اوزال نخست وزیر ترکیه روز جمعه ۱۲ دیماه وارد تهران شد. وی که در رأس گروهی از مشاورین سیاسی و اقتصادی به ایران مسافرت کرده است، در اولین روز سفر خود با موسوی نخست وزیر ملاقات و گفتگو کرد. سخنان دو طرف بر بستر مناسبات اقتصادی طرفین استوار بود. رادیوی دولتی جمهوری اسلامی در ضمن گزارش داد که اوزال و موسوی پس از مذاکرات اقتصادی، یک ملاقات خصوصی داشته اند.

روابط اقتصادی جمهوری اسلامی و ایتالیا گسترش بیشتری می یابد

سفیر ایتالیا در تهران با زنجانی وزیر برنامه و بودجه جمهوری اسلامی ملاقات کرد و ضمن تشریح چگونگی فعالیت شرکتهای پیمانکاری ایتالیایی در ایران، خواهان گسترش هر چه بیشتر روابط اقتصادی بین جمهوری اسلامی و کشور ایتالیا گردید. وزیر برنامه و بودجه جمهوری اسلامی نیز بر گسترش مناسبات اقتصادی و بازرگانی دو کشور و علاقمندی جمهوری اسلامی به بسط مناسبات اقتصادی جمهوری اسلامی و ایتالیا تاکید نمود. باید خاطر نشان ساخت که کمپانی های ایتالیایی در پروژه های بزرگ از قبیل فولاد مبارکه و احداث خط سراسری گازرسانی کنگان- اصفهان مشارکت دارند و ایتالیا یکی از طرفهای اصلی در مناسبات بازرگانی با ایران است.

تفاوت در کتیب درسی دختران و پسران

اکرمی وزیر آموزش و پرورش جمهوری اسلامی هفته گذشته اعلام کرد که با همکاری چند تن از مدرسین حوزه علمیه قم، سیستم آموزشی و کتب درسی تغییر خواهند کرد. وی افزود این تغییر همه دوره های آموزشی را در بر می گیرد ولی در ابتدا از مقطع متوسطه به اجرا در خواهد آمد. اکرمی مدعی شد که طرح جدید مانع کثرت داوطلبین کتکور شده و کتب درسی دختران و پسران تفاوت خواهد داشت. وی گفت کتابهای درسی بگونه ای "تالیف گردد و تعمیم داده شود تا متناسب با دانش آموزان دختر و پسر باشد تا پس از فراغت از تحصیل بتوانند از آموخته های خود بهره کافی ببرند... تا اینقدر داوطلب پشت کتکوری نداشته باشیم."

تاسیس

کمیسیون "تفحص و تحقیق" در مجلس

مجلس شورای اسلامی هفته گذشته، تاسیس کمیسیون تفحص و تحقیق در امور کشور را که مطابق اصل ۷۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ذکر شده است، تصویب کرد. بر اساس این طرح کمیسیون فوق که از نمایندگان مجلس تشکیل می شود، موظف است در همه امور کشور "تفحص و تحقیق" نموده و هر سه ماه یکبار گزارشی از عملکرد خود به مجلس ارائه دهد. در این طرح قید شده است که همه مسئولین دستگاههای اجرایی، قضایی، نظامی و انتظامی موظفند با کمیسیون فوق الذکر همکاری کرده و اطلاعات و مدارک مورد نیاز کمیسیون را در اختیار آن

خمینی گفت: "با هم باشید فکر اینکه من ارتشی هستم... سپاهی هستم، این فکر باید از سران دور بشود... هیچکس نمیتواند که به وضع شما و به قدرت شما یک تصرفی بکند و نمی تواند که یک تضعیفی از شما بکند." خمینی مسئله انحلال ارتش را شایعه اعلام کرد و گفت: "ارتش مطمئن باشد که پایدار است."

از سوی دیگر در همان هفته، فرماندهان نیروهای مسلح یا منتظری، کلپایگانی و مشکینی نیز ملاقات کردند که محور سخنان همه آنها زدودن تکرانی های افراد ارتشی بود.

همه ارگان های سرکوب هامورس باز گیری می شوند

با گسترش یافتن فرار از خدمت سربازی، مجلس شورای اسلامی در صدد تصویب طرحی است که لایحه آن مجازات های تازه ای برای مشمولین فراری در نظر گرفته شده است.

معاون فرمانده ژاندارمری در امور وظیفه عمومی در توضیح مشخصات این طرح چنین گفت: "با طرحی که در مجلس تحت بررسی است کلیه نیروهای انتظامی موظف به شناسایی و دستگیری مشمولین غایب خواهند شد و مشمولین غایبی که دستگیر شوند ۶ ماه بیشتر از بقیه خدمت خواهند کرد." با بالا رفتن میزان فرار از جبهه ها و امتناع جوانان از معرفی خود به اداره وظیفه عمومی، رژیم می کوشد با بکارگیری همه امکانات جوانان را برای حضور در جبهه ها، تحت فشار بگذارد. اکنون به گفته معاون فرمانده ژاندارمری، علاوه بر شهربانی و ژاندارمری، سپاه و کمیته ها نیز رسماً در کار سربازگیری شرکت خواهند جست. این تصمیم بدین معنی است که همه کوشش هایی که تاکنون ژاندارمری و شهربانی در جهت جلب مشمولین بکار گرفتند به شکست انجامیده است. چندی پیش هم فرمانده ژاندارمری تهدید کرده بود که کارفرمایانی که مشمولین غایب را به خدمت بگیری، به غیر از مجازات های عمومی دوران جنگ، کارگاههایشان نیز برای مدتی تعطیل خواهند شد.

اعلام کرد.

از سوی دیگر دفتر منتظری در قم با صدور اطلاعیه ای اعلام داشت که پیش از این از جانب منتظری نامه ای برای مجلس خبرگان فرستاده شده بود که طی آن وی متذکر شده بود که "با وجود مراجع معظم... بهیچوجه مایل نیستیم اسم من مطرح شود." در اطلاعیه دفتر منتظری آمده است که گویا او "بر خلاف میل قلبی خود در مقابل عمل انجام شده قرار گرفته" است.

اطلاعیه مزبور در پی تصمیم جناحهایی از حکومت مبنی بر برگزاری راهپیمایی هایی در پشتیبانی از منتظری صادر شد. منتظری خواستار لغو این تصمیم گردید. گفته می شود که علاوه بر درگیریها و مخالفت های درون هیئت حاکمه، ناتوانی در گردآوری جمعیت برای راهپیمایی هانیز از علل اصلی لغو این تصمیم بوده است.

رژیم عراق: "بمباران مناطق مسکونی

ایران از سر گرفته می شود"

هفته گذشته نیروی هوایی جمهوری اسلامی و عراق بار دیگر به محلات مسکونی دو کشور حمله کرده و عده ای از مردم را کشته و مجروح ساختند. روز ۷ دیماه عراق اعلام کرد که جمهوری اسلامی شهر فاو را بوسیله سلاحهای دوربرد زیر آتش سنگین گرفته است. همچنین عراق اعلام کرد که شهرهای بصره، سلیمانیه، مندلی و چند نقطه دیگر، توسط نیروی هوایی جمهوری اسلامی بمباران شده است. ستاد تبلیغات جنگ نیز ضمن تکذیب این حملات اعلام داشت که نیروی هوایی ایران، تنها به تاسیسات نظامی و صنعتی عراق در ۲۶ کیلومتری شمال شرقی سلیمانیه و شهرک سید صادق حمله برده است.

نیروی هوایی عراق نیز بعد از بمباران مناطق مسکونی هویزه، هفته گذشته به روستاهای پیرانشهر و مریوان نیز حمله کرد. رسانه های گروهی جهان، با پیش فیلمهایی، نقاط مسکونی عراق را که در حملات اخیر جمهوری اسلامی بمباران شده اند به نمایش گذاشتند. عراق اعلام کرده است که حملات جمهوری اسلامی را به مناطق مسکونی عراق، بی پاسخ نخواهد گذاشت و متقابلاً به بمباران مناطق مسکونی ایران اقدام خواهد کرد.

ماجرای جوتی و جنگ افزوری دور رژیم جمهوری اسلامی و عراق بار دیگر خطر از سرگیری جنگ شهرها را قوت بخشیده است.

کوشش خمینی برای

تخفیف ناراضیاتی در میان ارتشیان

پس از حکم خمینی مبنی بر تبدیل شدن سپاه پاسداران به یک ارتش تمام عیار، موج ناراضیاتی و اعتراض در ارتش بالا گرفت. در روز دوم دیماه خمینی در تلاش برای کاستن از ناراضیاتی ها با فرماندهان نیروهای مسلح ملاقات کرد. خمینی در این ملاقات تلویحاً به اختلافات موجود بین سران ارتش و سپاه اشاره کرد و از فرماندهان این دو نیروی نظامی خواست که وحدت خودشان را حفظ کنند.

در قم کشاکش میان روحانیون بر سر چنانشینی منتظری ادامه دارد.

مشگینی رئیس مجلس خبرگان طی یک سخنرانی که متن آن در روزنامه جمهوری اسلامی ۲۰ آذرماه درج شده است به کسانی که در حوزه علمیه قم با کزینش منتظری ابراز مخالفت می کنند حمله کرد. او مخالفین را تهدید به اخراج از حوزه کرد و اظهار داشت که باید "کسانی که درس نمی خوانند بیرون بروند، یک اصلاحات کلی در حوزه انجام بگیرد." مشگینی که این سخنان را در جمع طلبه های قم بیان می کرد متذکر شد که "شخصیتهای دیگری که از جاهایی فراری شده اند در حوزه مشغول فعالیتند." وی که از شدت گیری اختلافات و بروز درگیری در میان فقها و مدرسین حوزه علمیه قم نگران بود خاطر نشان ساخت که: "به دوستان می گویم، خطبازی را در حوزه کنار بگذارید... در میان حوزه علمیه و طلاب محترم حزب بازی نباید باشد... تعجب می کنم از این افراد که نسبت به اوضاع حق می زنند" مشگینی در همین سخنرانی تعداد طلبه های حوزه قم را ۲۰ هزار

تظاهرات خشماگین و ورزشدوستان دراحوال

در روز اول آذرماه تاشاگران مسابقه فوتبال بین تیمهای خوزستان و کرمان تظاهراتی علیه سیاستهای رژیم و مسئولین ورزشی استان برپا کردند. تظاهرکنندگان که بیش از ۱۵ هزار نفر بودند پس از انجام مسابقه یکصدا علیه مسئولین شعار می دادند پلیس ضد شورش به تظاهرکنندگان حمله کرد و درگیری شدیدی بین مردم و پلیس بوقوع پیوست. در نتیجه این درگیری عده ای مجروح و چندتن بازداشت گردیدند. علت تظاهرات مردم این بود که مسئولین هیات فوتبال خوزستان مربی تیم منتخب خوزستان و چندتن از بازیکنان آنرا اخراج کرده بودند. علت اخراج مربی تیم، پشتیبانی وی از بازیکنان تیم خود بوده است. همچنین هیات فوتبال خوزستان اعلام کرده بود که تیم خوزستان نباید پیراهن قرمز بپوشد. پیراهن قرمز کمیونستی است. بدنبال این تغییرات و اختلالکاریها تیم منتخب خوزستان با نتیجه دور از انتظار صفر برصفر با تیم کرمان مساوی شد. مردم که بحق علت ناپسامانیهای ورزش را اقدامات مسئولین و دست اندرکاران می دانند با تظاهرات، خشم و نفرت خویش را به نمایش گذاشتند.

از مبارزات کارگران کشور

* ۱۵۰ نفر از کارگران روزمزد سرچنگلداری کیلان در تاریخ ۱۲ آبان اخراج شدند. کارگران اخراج شده بطور جمعی به مدیر کل سرچنگلداری مراجعه کرده و بشدت نسبت به این امر اعتراض کردند. مسئولین در واژهه از واکنش کارگران اخراجی، احکام اخراج را لغو کردند.

* اقدام خشونت بار نگهداری کارخانه حلبی سازی باختران موجب یک حرکت اعتراضی توسط کارگران گردید.

* در کارخانه فیات تهران، مدیریت به بهانه دزدیده شدن موجودی نقد توسط صندوقدار از پرداخت حقوق آبانماه کارگران سرباز می زد. این صندوقدار از طرف مسئولین به این سمت کمارده شده بود. بر اثر اعتراض جمعی کارگران مسئولین با تاخیر ده روزه مجبور به پرداخت حقوق کارگران گردیدند.

در همین کارخانه چندی پیش مدیریت اعلام داشته بود که پرداخت پاداش تولید ممکن نیست اما کارگران با اعتراضات و پیگیری های جمعی خود موفق شدند پاداش تولید ششماه را دریافت دارند. اکنون، مدیریت فیات تهران در صدد است با افزایش شدت کار بهره کشی از کارگران را بیشتر کند.

* کارگران کارخانه ذوب آهن و کارگران کارخانه سیمان سیاهان اصفهان نسبت به عدم پرداخت سود ویژه به شدت معترضند.

کارگران پارس خودرو تهران نیز به عدم پرداخت حق بهره وری کار به میزان واقعی اعتراض جدی دارند.

بگذارند. در ضمن افزوده شده است که هر مسئولی که از همکاری با کمیسیون اجتناب ورزد تعزیر و مجازات خواهد شد. برخلاف این مصوبه طبق یک سنت تثبیت شده در جمهوری اسلامی، حتی مجلس برگزیده خمینی نیز حق دخالت در امور نظامی، انتظامی، اطلاعاتی، قضائی و... را ندارد. برای کمیسیون "تفحص و تحقیق" در عمل محدوده تنگی باقی می ماند. تا مستمسک مسئولین در دعوای فیما بین شان گردد. ظاهراً دولت موسوی نباید نسبت به تصویب این طرح رضایت خاطر داشته باشد.

مراتع کشور در معرض نابودی قرار دارند.

مدیر کل دفتر فنی مراتع وزارت کشاورزی در سینهاری در شهر کرد، وضعیت نابسامان مراتع کشور را طی گزارشی ارائه داد. وی گفت: "۹۰ میلیون هکتار مرتع در سراسر کشور وجود دارد که ۱۴ میلیون هکتار از آن فعال، ۱۶ میلیون هکتار مخروبه و مابقی آن یعنی ۶۰ میلیون هکتار از مراتعی است که سیر فقهی را طی می کند و روبرو تخریب هستند." وی در ضمن افزود که میزان علوفه حاصل از مراتع فعال کشور تنها یک سوم غذای دامها را تامین کرده و در نتیجه مابقی آن از خارج وارد می شود. با توجه به وضعیت مراتع طبیعتاً تولید گوشت کشور کاهش بیشتری خواهد یافت.

اخبار کوتاه

* جمهوری اسلامی ادعا کرد که یک فروند میراث عراق را سرنگون کرده است.

* یک کشتی دانمارکی که بنابه ادعای جمهوری اسلامی حامل مواد منفجره به مقصد عراق بود، از سوی نیروی دریائی توقیف و پس از تخلیه کامل کالاهای آن روز جمعه ۱۲ دیماه آزاد شد.

* رسانه های گروهی اعلام کردند که عملیات اولیه برای احداث خط لوله از مناطق نفتی جنوب به بنادر صادراتی که "کم آسیب پذیر" توصیف شده اند، خاتمه یافته است. هیچگونه اطلاعی مبنی بر منطلقه اجرای پروژه و یا ظرفیت حمل نفت از طریق این خط لوله، گزارش نشده است.

* جمهوری اسلامی قرار داد ساخت یک نوع اتومبیل را با ژاپن امضا می کند. این قرار داد که از سوی رسانه های گروهی نظیر قرار داد تالیوت توصیف شده است، با شرکت نیسان منعقد شده است. طبق این قرارداد ۲۵۰ میلیون دلاری، از سال آینده، ماهانه ۱۲ هزار دستگاه اتومبیل جدید در ایران تولید خواهد شد.

* موسوی نخست وزیر در جلسه هیات دولت هفته گذشته اعلام کرد که مردم برای تامین بودجه گاز رسانی باید اقدام به پیش خرید انشعابات گاز بنمایند. پیش از اینهم دولت بخش عمده بودجه لازم برای اقدامات عمرانی را بردوش مردم نهاده بود.

* با بازکشتائی مجدد کشتارگاه تهران، قیمت گوشت در تهران از کیلویی ۷۵۰ ریال به ۱۲۰۰ ریال افزایش یافت.

مردم علیه جنگ

* تلاش مسئولین رژیم در جبرفت- در استان کرمان- جهت کشاندن کارگران و کارمندان مراکز خدمات روستایی این شهرستان به جبهه های جنگ با شکست فاحشی مواجه شد. پس از سخنان مسئولین منطقه در مورد لزوم حضور در جبهه ها در جمع کارکنان این مراکز حتی یک نفر برای اعزام به جبهه ثبت نام ننمود. در عوض کارگران این جلسه را به محل ابراز انزجار از جنگ تبدیل کردند.

روز بعد عوامل رژیم، کارگرانی را که در مورد جنگی دست به افشاکاری زده بودند از کار اخراج کردند اما بر اثر اعتراض دیگر کارگران مجبور به باز گرداندن آنان به سرکار گردیدند.

* در دانشگاه های شیراز و تبریز دست اندرکاران رژیم قصد داشتند دانشجویان را با اجبار در کلاسهای آموزش نظامی شرکت دهند اما با اعتراض دانشجویان مواجه شده و نتوانستند نسبت به پلید خویش را پیش برند.

در دانشگاه شیراز دانشجویان برای اعتراض به تشکیل کلاسهای آموزش نظامی دست به اعتصاب زدند.

* در روز ۱۱ مهر ماه جنگ زدگان ساکن کوی جنگ زدگان ورزشگاه آزادی با دادن شعار "مرگ بر جنگ" خشم و نفرت خویش را از جنگ و رژیم جنگ افروز خمینی نشان دادند این ابراز مخالفت علنی نسبت به جنگ در مجلس ختم یکی از قربانیان جنگ بوقوع پیوست. دخالت عوامل حکومت منجر به یک درگیری شد. مردم عکس های همه سرکردگان رژیم را از دیوارهای مسجد پائین کشیدند.

* علیرغم آنهمه تبلیغات رژیم جهت جذب نیرو برای اعزام به جبهه های جنگ، در شهرستان کرج به محلهای معینی که برای این منظور تعیین شده است حتی یک نفر هم جهت ثبت نام مراجعه نکرده است.

* ۱۵۰ نفر از اعضای خانواده های قربانیان جنگ در تبریز با صدور اعلامیه ای نسبت به کمبود مایحتاج عمومی و فساد حاکم بر ارگانها و ادارات دولتی اعتراض کردند. این اعلامیه در آبانماه صادر شد. دو هفته پس از آن نیز این افراد در محل نماز جمعه دست به راهپیمایی زدند که مورد حمله پاسداران قرار گرفتند. پاسداران تمامی آنها را دستگیر و زندانی ساختند.

"ملی بودن تحصیلات عالی شعار است"

رئیس دانشگاه آزاد اسلامی خطاب به دانشجویان تازه پذیرفته شده در این دانشگاه گفت: "شهریه دانشگاه ممکن است باز هم افزایش یابد و دانشگاه موظف نیست شهریه را ثابت نگهدارد". ناگفته نماند که هم اکنون نیز "دانشگاه آزاد اسلامی" شهریه هنگفتی از دانشجویان هم بطور ثابت و هم برای هر واحد درسی دریافت می کند. رئیس دانشگاه آزاد اسلامی همچنین در همین سخنرانی گفت "دانشجویان نباید انتظار غذای ارزان و بیابام دانشجویی داشته باشند. ملی بودن تحصیلات عالی یک شعار است که نباید در خیال آن باشید."

شش سال از آغاز مرحله نوین انقلاب افغانستان گذشت. در ششم دیماه ۱۳۵۸، رهبری حزب دمکراتیک خلق افغانستان و جمهوری دمکراتیک افغانستان، با احساس مسئولیت در قبال سرنوشت انقلاب، خطر بزرگی را که سرنوشت کشور را تهدید می کرد، بر طرف کرده و توطئه مشترک باند حفیظ الله امین و ضد انقلابیون برای قبضه

قدرت سیاسی را ختنی ساختند. رهبری افغانستان انقلابی، برای مقابله با مدخله گستاخانه امپریالیستهای آمریکایی و ارتجاع منطقه در امور کشور، از اتحاد شوروی تقاضای کمک کرد. اتحاد شوروی بدین درخواست پاسخ مثبت داده و دست کمک بیدریغ خویش را بسوی انقلاب افغانستان دراز کرد. این انقلاب از تندپیچی خطرناک سر بلند بیرون آمده

سلسله بی فرجام جنایت

جنگ اعلان نشده امپریالیستی - ارتجاعی، شش سال پس از آغاز مرحله نوین انقلاب افغانستان

امسال نیز سالگرد آغاز مرحله نوین انقلاب افغانستان، بهانه ای برای همه امپریالیستها و مرتجعین گردید تا، در حالیکه از خشم کف بر لب آورده اند، کینه و نفرت خود را از این انقلاب به نمایش بگذارند. علاوه بر یک صحنه سازی بشماره در سازمان ملل، اجزای اردوی جهانی ضد افغانی هر یک به سهم خود کوشیدند در "برگزاری" سالگرد ضربه عمیق به منافع و امیال شومشان در افغانستان، شرکت کنند. کنگره آمریکا، برای نخستین بار در تاریخ سازمان سیا، مبلغی بیش از میزان درخواستی دولت برای عملیات این سازمان، به جنگ اعلان شده علیه افغانستان انقلابی اختصاص داد. رقم کمکهای آمریکا به ضد انقلابیون افغانی در سال مالی ۱۹۸۵، به ۴۷۰ میلیون دلار (یعنی ۱۸ برابر رقم دریافتی توسط ضد انقلاب نیکارا گوئه) رسید. بنا به تصمیم کنگره، بر این مبلغ در دو سال آتی لااقل ۲۰۰ میلیون دلار دیگر افزوده خواهد شد در فاصله ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۵، حجم آمیولهای دلار واشنگتن به اشرار افغانی شش برابر شده است. جنگ ضد افغانی سیا، بزرگترین عملیات این سازمان از پایان جنگ ویتنام (۱۹۷۵) بدین سو است و در حدود ۸۰ در صد بودجه سیا برای عملیات خارجی رامی یلعد.

سرازیر شدن سیل کمکهای مالی و تسلیحاتی اردوی جهانی ضد انقلاب به آدمکشان افغانی است. نظامیان و سایر مقامات پاکستان به اتفاق مأموران سیا، مسئول حمل و نقل سلاح، مهمات، آذوقه و غیره در پاکستان هستند. در نزدیک به ۱۲۰ اردوگاه نظامی، دهها هزار تن از اشرار توسط مستشاران آمریکایی، مزدوران بین المللی و افسران پاکستانی آموزش کشتار، خرابکاری و راهزنی می بینند. مرکز ضد انقلابیون، در پیشاور است.

هدفی که

هرگز تحقق نخواهد یافت

اینک دیگر بر همه آشکار شده است که انقلاب افغانستان، مستحکم تر از آن است که باندهای اشرار بتوانند دستاوردهایش، و در رأس آن حکومت مردمی را نابود سازند. سناتور مالکم والوپ، رئیس کمیته جاسوسی کنگره آمریکا، این واقعیت را به گویاترین وجه به زبان آورده است: "من واقعا" هیچ کس را نمی شناسم که باور داشته باشد ما بتوانیم رژیم... افغانستان را سرنگون سازیم... در این رابطه اصلا چه چیز بعنوان موفقیت قلمداد می شود؟ مگر نه این است که انسان باید بداند

چه می خواهد؟ در این مورد، ما اصلا چیزی نمی دانیم."

اعتراف به بی فرجامی سلسله جنایات ضد انقلاب جهانی علیه افغانستان، رفته رفته جای بیشتری را در گزارشها و تفاسیر رسانه های بورژوازی غرب پیرامون افغانستان به خود اختصاص می دهد. مجله "اشپیکل چاپ آلمان فدرال در شماره چهارم نوامبر ۱۹۸۵ خود مقاله ای تحت عنوان "نتیجه این جنگ مدتهاست که تعیین شده است" می نویسد هرگونه خیال پردازی در این باره که گویا می توان در افغانستان از طریق مذاکره به موقعیتی شبیه به فنلاند دست یافت، بی پایه است. "اشپیکل" می افزاید: گزارشهای افسانه ای مخالفین تبعیدی دربار موفقیتهایشان، مجموعا تصویری می سازند که از واقعیت امروزی افغانستان بسیار فاصله دارد. نیم میلیارد دلاری که آمریکا امسال روی چریکهای افغانی سرمایه گذاری کرده، حداکثر باعث تمدید جنگ، کشته و معلول شدن دهها یا صدها هزار افغانی دیگر... می شود. (در افغانستان) دیگر هیچ چیز تغییر اساسی نخواهد یافت."

دولت ریگان و سایر حامیان دوآتشه "مجاهدین" افغانی،



زنان زحمتکش افغانستان، مصمم به دفاع مسلحانه از انقلاب

این واقعیت را به خوبی می دانند. آنها واقفند که دیگر هیچ چیز نخواهد توانست افغانستان را به گذشته سیاه، به گذشته قرون وسطایی، به زمانی که فئودال هاخون مردم رامی میکندند، باز گرداند. بنابراین، اهداف جنگ اعلان نشده امپریالیستی - ارتجاعی علیه افغانستان را اینک چنین می توان خلاصه کرد: مشغول کردن خلق و دولت انقلابی افغانستان به جنگی مداوم و از این طریق، سنگ اندازی در راه پیشرفت انقلابی.

دستاوردهای مبارزه با

ضد انقلاب

وجه مشخصه مرحله کنونی مبارزه با ضد انقلاب افغانستان، آن است که این مبارزه بگونه ای روز افزون خصلت توده ای به خود می گیرد. گروه های مسلح کارگران، حفاظت از کارخانجات را عهده دارند. هر دهقان علاوه بر سند مالکیت زمین، تفنگ هم دریافت می کند. دهقانان افغانستان، در یک دست داس و در دست دیگر سلاح، مسمند تا از انقلاب و میهن خود دفاع کنند. در گزارش مجله آلمانی "اشپیکل" (که در بالا بدان اشاره رفت) آمده است:

"در شهر کوچک گلخانه، در حدود ۲۰ کیلومتری شمال شرقی پایتخت،... درغیاب هزار مرد جوان که در ارتش و سایر واحدهای امنیتی خدمت می کنند، بیش از ۲۰ زن که از ۱۵ تا ۵۰ سال دارند، به عضویت گروه های دفاع از خود محلی درآمده اند. آنها به فرماندهی زن دهقانی بنام فیروزه، به سلسله های کلشینکوف مسلحند. آنها در مبارزه با ضد انقلابیون تاکنون ۵ نفر از آنها را کشته و ده تن را به اسارت در آورده اند. یکی از زنان مدافع، مجروح شده است. فیروزه با مباحثات می گوید: از آن موقع، آنها دیگر برنگشته اند، زیرا ما زنان کاملا مراقبیم."

ویلیام بریکز، خبرنگار استرالیایی، که چندی پیش از افغانستان دیدن کرد، می نویسد: اکثریت مردم افغانستان از دگرگونیهای انقلابی که در این کشور صورت گرفته، حمایت می کنند. و آماده اند تا در صورت لزوم، مسلحانه از این دستاوردها دفاع کنند. علاوه بر مردان جوان، زنان، سالخوردهگان و نوجوانان نیز آموزش نظامی می بینند.

عربستان سعودی و سایر امیر نشین های خلیج فارس، آلمان فدرال، بریتانیا، ژاپن، رژیم خمینی و اسرائیل به ترتیب رده های بعدی را در فهرست تامین کنندگان مالی جنگ اعلان نشده علیه افغانستان به خود اختصاص داده اند و سالانه جمعا رقمی در حدود ۲۰۰ تا ۲۵۰ میلیون دلار به اشرار افغانی می دهند. چین نیز از ۱۹۸۱ بدین سو، پول و سلاح به ارزش حدود ۱۰۰ میلیون دلار در اختیار دشمنان مرتجع انقلاب افغانستان قرار داده است.

رژیم خونریز و جنایتکار ضیاالحق در پاکستان، کانال عمده

نتایج چهلمین اجلاس مجمع عمومی ملل متحد

قطعنامه ممنوعیت تولید و استقرار سلاحهای شیمیایی و نابودی ذخایر موجود این سلاحها، تنها کشورهای عضو ناتو را مخالف دادند. آمریکا حتی به یک قطعنامه پیشنهادی کانادا در باره قطع تولید مواد رادیو اکتیو برای ساختن سلاحهای هسته‌ای با کنترل کامل کشورهای دیگر، رای مخالف داد، در حالیکه رای اتحاد شوروی در این مورد مثبت بود. رای دیگری در باره این قطعنامه نشان داد لفاظی‌های دولت ایالات متحده در این باره که گویا مانع اقدامات مشخص خلع سلاح، مسئله کنترل است و اینکه اتحاد شوروی با کنترل دو جانبه مخالف است، تا چه حد بی‌پایه است.

آمریکا از امضای قطعنامه "چشمپوشی از اعمال قهر در مناسبات بین‌المللی" که با هدف کمک به حل بحرانهای منطقه‌ای تنظیم شد، خوداری کرد. ایالات متحده و اسرائیل همچنین مخالفت خود را با سندی در محکومیت ایدئولوژی‌های نازیستی، فاشیستی، نئوفاشیستی و سایر ایدئولوژی‌های ارتجاعی، اعلام نموده‌اند.

مجمع عمومی ملل متحد، حمایت خود از مردم نامیبیا و مبارزه برحق آنها در راه استقلال را اعلام و تژاد پرستان آفریقای جنوبی و پشتیبانان آنها را محکوم کرد. مجمع خاطر نشان ساخت در خاور نزدیک نمی‌توان از طریق توافقات جداگانه به راه حل واقعی دست یافت.

نمایندگان ۱۴۰ کشور، با درجات متفاوتی از صراحت، خواهان قطع مداخله خارجی در امور نیکاراگوئه شدند.

کمیسیون حقوق بشر، در کار خود نقاطضعفی نشان داد. از جمله کمیسیون گزارش داد هدف دولت و ارتش السالوادور، رعایت حقوق بشر است! در کمیسیون همچنین جعلیاتی در باره افغانستان مطرح گردید.

اما علیرغم این نکات منفی، نیروها و کشورهای صلح‌دوست و ترقی‌خواه جهان نتایج کلی چهلمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل را مثبت و مبنای خوبی برای ادامه کار این سازمان ارزیابی می‌کنند.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در آخرین ماههای سال ۱۹۸۵، چهلمین اجلاس خود را بر گزار کرد. نتایج بدست آمده از این اجلاس، برای روند آتی پیکار جهانی در راه صلح حائز اهمیت است.

کمیته خلع سلاح مجمع عمومی، ۶۶ طرح قطعنامه را مورد بحث قرار داد. از این تعداد، هیئت شوروی از ۵۹ طرح پشتیبانی کرد، به ۴ طرح رای منتهی بود. ۲ مورد رای منفی داد. هیئت آمریکایی ۲۹ رای مثبت، ۱۰ رای منتهی و ۲۷ رای مخالف داد و در این میان، در ۷ مورد در انزوای مطلق قرار گرفت. نماینده آمریکایی حتی از رای دادن به قطعنامه‌ای حاوی ایراز امیدواری به موفقیت مذاکرات ژنو نیز خودداری کرد.

یکی از دستاوردهای مهم کار کمیته، تصویب قطعنامه "در باره جازگیری از مسابقه تسلیحاتی در فضا استفاده صلح آمیز از کیهان بود" در این قطعنامه از همه کشورهای، به ویژه کشورهای دارای پتانسیل قوی فضایی خواسته شده فعالانه در جهت استفاده صلح آمیز از فضا کوشیده و اقداماتی برای جلوگیری از مسابقه تسلیحاتی در فضا انجام دهند. قطعنامه مزبور، بر پایه طرحهای اتحاد شوروی، چین، لهستان و چند کشور دیگر تنظیم شد. (۱۵ کشور به آن رای دادند، و تنها دو کشور رای منتهی دادند: آمریکا و دولت دست‌نشانده اش در کانادا).

کمیته همچنین قطعنامه‌ای در مورد قطع و ممنوعیت آزمایش سلاحهای هسته‌ای صادر کرد. در این قطعنامه از "قطع یکجانبه همه انفجارهای هسته‌ای توسط یک کشور بزرگ دارای سلاحهای هسته‌ای از ششم اوت ۱۹۸۵" استقبال شده است (منظور موراتوریوم اتحاد شوروی است). قطعنامه از همه کشورهای دیگر دارای سلاح هسته‌ای می‌خواهد امکان پیوستن بدین موراتوریوم را بررسی کنند. ۱۲۰ رای موافق و ۲ رای مخالف آمریکا، بریتانیا و فرانسه، نتیجه رای گیری پیرامون این قطعنامه بود.

قطعنامه در باره ممنوعیت تولید انواع سیستم‌های جدید سلاحهای نابودی جمعی نیز تنها با یک رای مخالف (آمریکا) به تصویب رسید. به

بخشهای شمالی و شرقی کشور و بهبود وضع توزیع کالاها در این مناطق، و بالاخره عملیات موفقیت آمیز اواخر تابستان در ایالات ننگرها و بکتیا. دولت افغانستان با عملیات اخیر، کار مسدود کردن راههای ارتباطی ضدانقلابیون با پاکستان را آغاز کرده است. همچنین بعنوان یکی از بزرگترین دستاوردهای مبارزه با ضد انقلاب، باید از روی آوردن هر چه بیشتر اقوام پشتو و بلوچ به انقلاب و همکاری آنان در به وجود آوردن سد مسلحی در امتداد مرزهای افغانستان با پاکستان، نام برده‌تر که عالی‌قبایل" که اخیرا در کابل با شرکت ۳۷۰۰ نماینده اقوام پشتون، بلوچ، نورستانی، کنار، ننگرها، بکتیا، غزنی، زابل، هلمند، نیروز، فراه، هرات و لوی و لسوالی خوست (شهرستان خوست)، تشکیل شد، قطعنامه‌ای تصویب کرد که در آن آمده است: "قبایل وطن پرست و با غیرت پشتون تمام تلاشهای استفاده از منطقه و مردم قبایل را به منظور انتقال سلاح به افغانستان و اعزام باندهای تروریستی ضد انقلاب از خارج قاطعانه خنثی نمایند و قبایل شریف هیچ وقت به این امر سیاه و ننگین کمک نخواهند کرد، برعکس آنها هر نوع فعالیت را علیه دولت مرکزی در مناطق خود خنثی نموده و به ارگانهای حزبی و دولتی و قوای مسلح و بیش از همه به قوای سرحدی در امر جلوگیری از نفوذ ضد انقلاب مسلح مساعدت نمایند."

همه واقعیات فوق، حاکی از آن است که انقلاب افغانستان، شش سال پس از آنکه در شرایط بسیار خطرناکی که مداخله و تجاوز خارجی ایجاد کرده بود، از دست بزرگ مردم افغانستان، اتحاد شوروی، تقاضای کمک کرد، روز به روز گامهای بزرگتر و استوارتری بسوی بازگشت ناپذیر کردن دستاوردهای انقلاب، به سوی ریشه کن کردن نیروهای سیاه چهل و فقر، استثمار و عقب ماندگی کام برمی‌دارد. ممکن است جنگ اعلان نشده علیه افغانستان، چند صباحی دیگر نیز ادامه یابد. امکان دارد باز هم حلقه‌های جدیدی برسلسله زنجیر جنایات هولناک اشرار تحت حمایت آمریکا، رژیم ضیاالحق، جمهوری اسلامی ایران و سایر مرتجعین افزوده شود. اما انقلاب افغانستان به همت خلقی متحد و بهیچاسته، خلق برادر افغان به پیش خواهد رفت و در جوار مرزهای خاوری کشور ما، دژ مستحکم آزادی را هر چه مستحکم‌تر خواهد کرد.

رفیق فرید احمد مزدک، دبیر اول سازمان دمکراتیک جوانان افغانستان در مصاحبه خود با "اکثریت" که در شماره ۸۵ این نشریه به چاپ رسید، درباره شرکت جوانان در مبارزه علیه ضدانقلاب می‌گوید: "جوانان افغانستان) تا پای جان مبارزه می‌کنند و در راه آبادی وطن خویش زحمت می‌کنند. فاضله دختر ۱۷ ساله اینکه در نبر رویا روی با ضد انقلاب به شهادت رسید و تا پای جان به امر حزب و مردم خود وفادار بود یکی از این جوانان است... اعضای س.د.ج. ۱ وظایف خویش را برای تحقق آرمانهای س.د.ج. ۱ در نبرد مسلحانه علیه ضد انقلاب اجرا نموده و صفوف قوای مسلح دلیرخویش را تکمیل می‌کنند. بیش از ده هزار عضو بربکادهای نظم اجتماعی که در جمع آنها کارگران، دمقانان، متعلمان، محصلان و پیشه‌وران و کارمندان جوان متشکل هستند، به نحو شایسته‌راهی که فاضله‌ها وقف آن شده‌اند، ادامه می‌دهند. تنها در ۶ ماه گذشته بیش از یک هزار جوان از جانب کمیته‌های سازمان ما به قوای قهرمان سرحدی کشور معرفی شده‌اند. هزاران جوان علیرغم پایان دوره خدمت به قوای مسلح، آمادگی خود را برای ادامه خدمت سربازی اعلام می‌دارند."

ضد انقلابیون افغانی، با آگاهی از اینکه دیپلماتها و خیرتکاران خارجی مقیم افغانستان اکثرا مقیم کابل هستند، بخش عمده‌ای از فعالیت‌های نظامی خود را در اطراف پایتخت متمرکز کرده‌اند. این فعالیت، علاوه بر شلیک شبانه موشک از کوههای اطراف به سوی شهر محدود می‌شود. موشکهای چینی مزبور توسط یک نفر قابل حمل هستند. به علت کوههای سر به فلک کشیده‌ای که کابل را احاطه کرده‌اند، جلوگیری از این جنایات شبانه کار بسیار دشواری است. از این رو، هنوز محلات مسکونی کابل در معرض حملات جنایتکارانه اشرار قرار دارند، حملاتی که تنها از میان غیر نظامیان بیگناه قربانی می‌گیرد.

در دو سال اخیر نیروهای مسلح مردمی افغانستان موفقیت‌های چشمگیری در پیکار با ضد انقلاب به دست آورده‌اند که گوشه‌ای از آن بدین شرح است: آزاد سازی دره پننجشیر و احداث چند پادگان در این منطقه، تصرف "دره کنار" در آغاز تابستان امسال و از این طریق، تضمین امنیت راههای ارتباطی میان کابل و

باید ارباد صلح جهانی!

سازمان پسران و دختران برای مبارزه در راه برابری و پیشرفت اجتماعی

نقش زنان انقلابی در سازمان

در سازمان ما زن عضو برابر حقوق مرد، یار و هم‌رزم مرد، همسنگر مرد است و این نه فقط در اسانامه سازمان، که در تمامی فعالیت‌های روزمره نیز نمود انکارناپذیری دارد.

نقش و جایگاه زنان انقلابی در سازمان، از همان سالیان آغازین تأثیر شگرفی در میان زنان بر جای گذاشت. تروائندی‌هایی که فدائیان شپردلی همچون مهرنوش ابراهیمی نشان دادند، بر باورهای ارتجاعی مبنی بر نابرابری زن و مرد در مبارزه سیاسی ضربه‌ای سنگین وارد ساخت و باعث جذب زنان بسیاری به جنبش انقلابی می‌نماند گردید.

بدین ترتیب وزن زنان در جنبش افزایش یافت. زنانی که بنحوی روزافزون به مبارزه علیه رژیم شاه می‌پیوستند، سازمان ما را سنگری می‌یافتند که در آن بتوانند خلاقانه و فارغ از هر گونه تبعیض همه تروائنی‌های خود را در راه خلق بکار گیرند. بدینگونه بود که در همان آغاز، پیوند میان سازمان و زنان جنبش انقلابی استوار گردید.

از نمودهای این پیوند، نفوذی چون و چرای سازمان در میان دختران دانشجوی بود. جنبش دانشجویی در آن زمان یکی از مهمترین ستونهای جنبش انقلابی شده می‌شد و سازمان ما در صفوف دانشجویان و بویژه در میان دختران دانشجویان از بهترین حمایت و پشتیبانی برخوردار بود. بسیاری از زنان فدائی از زمان تحصیل در دانشگاه جذب سازمان گردیدند.

بازتاب رژیم آوری زنان فدائی در سطح جنبش، کار بقایا، بینش‌های ارتجاعی و گرایش‌های نابرابری طلبانه را دشوار ساخت. در فاصله نیمه سال ۵۰ تا سال ۵۶، ۲۱ زن فدائی در نبرد رویارو با دشمن به خون در غلطیدند و پایه جوخه اعدام سهرده شدند.

- مهرنوش ابراهیمی مهر ۱۳۵۲
- بیوران پیداللی بیمن ۱۳۵۱
- مریم‌تاهی سال ۱۳۵۲
- شیرین فضیلت کلام اردیبهشت ۱۳۵۲
- مرضیه احمدی اسکوتی اردیبهشت ۱۳۵۲
- نزهت السادات
- روحی آهنگران تیر ۱۳۵۴
- بیروین فالملی شهریور ۱۳۵۴
- فاطمه (شمس) نهانی دی ۱۳۵۴

هوادار سازمان در ترکیب زنان زندانی در زندانهای شاه بود. در این عرصه نیز زنان فدائی با شجاعت و شجاعت و به رغم تحمل شدیدترین شکنجه‌ها کارنامه درخشانی بر جای نهادند. آنان حبس‌های طویل‌مدت را تحمل کرده و استوار بر جای ماندند. برخی از آنها از بدو تولد سازمان تا اوجگیری انقلاب در اسارت رژیم شاه بودند و از این نظر نیز فصل‌نویسی در پیکار زنان میهن‌گشودند.

تأثیر سازمان در ارتقای زنان در جنبش‌های هم‌تاس

حقیقتی است غیر قابل انکار که سازمان ما از حیث جذب و تربیت زنان انقلابی و از جهت تأثیرگذاری بر ای جذب زنان به جنبش و از این طریق زدودن القایات نابرابری طلبانه خدمتی بزرگ به جنبش زنان

- فاطمه حسن‌یوراصیل دی ۱۳۵۴
- فاطمه افدرنیا بهمن ۱۳۵۴
- عزت (رفیق مادر) غروی اردیبهشت ۱۳۵۵
- لادن آل‌آقا اردیبهشت ۱۳۵۵
- مهوش‌حانسی اردیبهشت ۱۳۵۵
- فریده (فاطمه) غروی اردیبهشت ۱۳۵۵
- میترا بلبل‌صفت اردیبهشت ۱۳۵۵
- زهره مدیرشانه‌چی اردیبهشت ۱۳۵۵
- میناطالب زاده شوشتری خرداد ۱۳۵۵
- نسترن آل‌آقا تیر ۱۳۵۵
- کلرخ (شیرزاد) مهدوی تیر ۱۳۵۵
- لاله‌خرم تیر ۱۳۵۵
- فاطمه حسینی تیر ۱۳۵۵
- افسرالسادات حسینی تیر ۱۳۵۵
- نادره احمدشاهی تیر ۱۳۵۵
- سیمین توکلی تیر ۱۳۵۵
- اعظم السادات - تیر ۱۳۵۵
- روحی آهنگران شهریور ۱۳۵۵
- زهر آقائینی قلعه‌کی آذر ۱۳۵۵
- نردوس آقابراهیمیان بهمن ۱۳۵۵
- صبا بیژن زاده اسفند ۱۳۵۵
- غزال (بریدخت) آیتی فروردیس ۱۳۵۶
- سیمین پنجه‌شاهی فروردیس ۱۳۵۶
- نسرین پنجه‌شاهی فروردیس ۱۳۵۶

رفیق عزت غروی (رفیق مادر)

خرم آبادی و خواهرش فریده غروی نیز در صفوف سازمان علیه رژیم شاه پیکار کرده و همگی به شهادت رسیدند. رفیق در نامه‌ای که برای خانواده‌اش نوشته بود، تصریح کرده است: "زنده بودن یعنی آزاد بودن و انسان بودن، مبارزه ادامه دارد و نیرویی قوی‌تر از هر چیز دیگر بدون آنکه فرصت دهد که پشت سرم بنگرم مرا به پیش می‌راند. شاید فردا توانستند مرا شهید یا دستگیر کنند اما امروز در این ساعت من از نبرد خویش باز نمانده‌ام و همراه دیگران، و همراه انبوه رفیقانم به پیکار ادامه می‌دهم". رفیق مادر در اردیبهشت سال ۱۳۵۵ توسط دژخیمان رژیم به شهادت رسید.



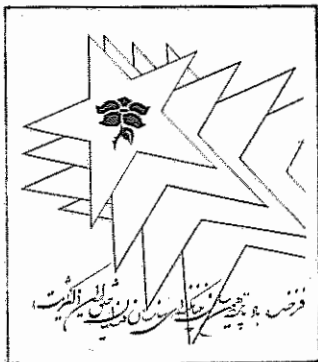
"رفیق مادر" در سال ۱۳۵۲ در سن پنجاه سالگی به سازمان فدائیان خلق پیوست. پسرانش احمد و مجتبی

کرده است و در تمام ۱۵ سال اخیر در جنبش انقلابی، کارکردی ممتاز و بی‌گانه دارد.

در صفوف فدائیان، زن و مرد همدوش یکدیگر به پیکار انقلابی می‌پردازند. زنان فدائی در همه سطوح تشکیلاتی وظایف خطیر و انقلابی خود را انجام می‌دهند. چه کسی میتواند نقش هدایت‌گر و سازماندهنده رفیق نسرین آل‌آقا، عضو کمیته مرکزی سازمان را در برهه حساس پس از ضربات سال ۵۵، فراموش کند. صفوف سازمان فدائیان، جایگاه رشد و تعالی

به طور متوسط تقریباً هر دو ماه یک زن فدائی جان خود را نثار خلق کرد تا فردائی سعادت‌مند برای همه مردم ایران ساخته شود. این کارنامه بر غرور جایگاه زنان را در جنبش و جایگاه سازمان ما را در میان جنبش زنان مستحکم کرد. تعداد کثیر زنان شهید فدائی نشانگر تعداد بالای زنان عضو در سازمان و نشان نفوذ چشمگیر سازمان در میان زنان انقلابی میهن‌مان بوده است.

نمود دیگر نقش و وزن سازمان در میان زنان انقلابی، سهم زنان عضو و



زنان و مردانی است که برای اهداف والای انسانی نبرد می‌کنند، چرا که فدائیان این سخن دامپایانه نغین را که "پولتاریا نمیتواند بطور کامل خود را آزاد نماید، بدون اینکه آزادی کامل برای زنان را بدست آورد"، راهنمای جاوید رزم و پیکار خود می‌دانند.

زنان پیشرو و پیشتاز فدائی در شرایط و اوضاع و احوالی پایه کارزار مبارزه در راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی و مبارزه به منظور تحقق حقوق دموکراتیک زنان نهادند که تحت حکومت شاه، همه خلاقیتها، ابتکارات، توانائی‌ها و حقوق زنان نه تنها نادیده گرفته می‌شد، بلکه بگونه‌ای خشن مورد انکار قرار می‌گرفت. در همان زمان، شاه در مساحبه با اورینانا فالاجی که پرسیده بود "آیا ما زنان در لیاقت و استعداد برابر با مردان نیستیم؟" سیاست رژیم را در برخورد به زن بیان کرد و گفت: "نه، در مقابل قانون زنان می‌توانند برابر باشند، ولی در زمینه لیاقت و شایستگی نه". این جوهر پیرکین تفکر ارتجاعی رژیم حاکم بود که شاه بر زبان می‌آورد.

با چنین کارنامه درخشانی بود که با خیزش امواج انقلابی سازمان ما از امکان ویژه‌ای، برای کار انقلابی در میان زنان و جذب آنان در صفوف این گردان پیشتاز، برخوردار بود. در حالیکه در آن سالها در بسیاری از اجتماعاتی که برپا می‌شد، به زنان جز حقوق درجه دوم چیزی داده نمی‌شد. سازمان ما تنها سازمان سیاسی سرتاسری بود که عمیقاً به برابری همه جانبه حقوق زن و مرد باوری استوار داشت و طبیعت آن عمل می‌کرد. در گردهمایی‌ها و اجتماعاتی که سازمان ما برپا می‌کرد، زنان دوشادوش مردان جای داشتند و این امکان را می‌یافتند که فارغ از هر گونه تبعیضی در مبارزه به منظور درهم شکستن رژیم منحوس شاه نقش شایسته خویش را ایفا کنند. در روزهای قیام سترگ‌های فدائیان خلق جایگاه زنانی بود که همراه با مردان سلاح در دست و

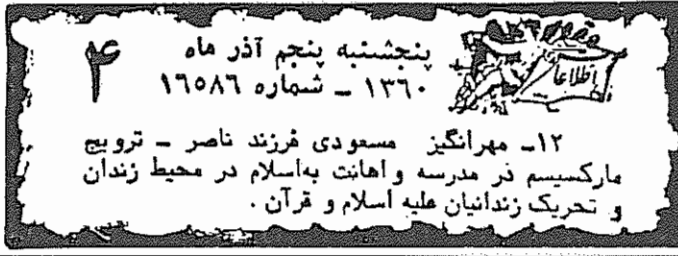
جان بر کف به نبرد آخر با ارتش شاه برخاستند.

پاسداری از حقوق زنان در برابر تحمیلات رژیم جمهوری اسلامی

سازمان ما از همان ابتدا با سیاست مفزوی کردن زنان از فعالیتهای اجتماعی که از سوی حکام جمهوری اسلامی دنبال می‌شد، به مقابله برخاست. نشریات سازمانی بازتاب دهنده کوشش‌های ما است که فدائیان خلق در مبارزه برای برابری حقوق زنان با مردان و مقابله با تحمیلات تازه‌ای که مرتجعین تدارک دیده بودند، انجام داده‌اند. سازمان ما در سال ۵۸ با اعلام کاندیداتوری رفیق رقیه دانشگری برای مجلس

رفیق مهر انگیز مسعودی

رفیق مهر انگیز مسعودی، معلم فدائی در مهرماه سال ۱۳۶۰ توسط پاسداران دستگیر در پنجم آذرماه همین سال در زندان اوین تیرباران شد.



زنان کشور و... کوشه‌هایی از مبارزات پیکر فدائیان خلق در دفاع از حقوق زنان در عرصه‌های مختلف می‌باشد.

سازمان فدائیان، در فعالیت انقلابی خود، برای مبارزات زنان، برای سازماندهی زنان و شرکت فعال در جنبش دموکراتیک زنان، اهمیت بسزائی قائل است. فصل، فصل تاریخ سازمان ما، شاهد این موضوع است. علت استقبال زنان از سازمان فدائیان، سازمان طراز نوین طبقه کارگر، چیزی جز این نمیتواند باشد. تعداد زنانی که در صفوف سازمان فدائیان، بمنظور تحقق اهداف والا و انقلابی آن می‌رژمند، نشانه‌ای از اعتقاد راستین فدائیان نسبت به برابری کامل حقوق زن و مرد می‌باشد. بنا به گزارش هیات سیاسی کمیته مرکزی سازمان به پلنوم مهرماه ۶۲، سهم زنان در میان تعداد اعضای سازمان حدود ۲۲ درصد و در سازمان جوانان فدائی حدود ۵۰ درصد می‌باشد.

با تحمیل این قانون، نابرابری میان حقوق زن و مرد را در موسسات تولیدی و اداری تثبیت کند. تبلیغات مادر این زمینه بر آگاهی کارگران افزود و علاوه بر زنان کارگر، کارگران مرد را نیز آگاه کرد که در کسب حقوق برابر برای زنان باید مبارزه کنند. از اینرو در همه نشست‌هایی که کارگران به منظور بررسی و طرد این قانون برپا کردند، از جمله پیشنهادات تاکیدی بر ضرورت گنجاندن حقوق برابر برای زنان بود.

کوشش مستمر فعالین فدائی در کارخانجات کشور در زمینه تاسیس مهد کودک، برای ایجاد امنیت شغلی، افشای اقدامات ارتجاعی و ضد مردمی رژیم در اخراج زنان از کارخانه‌ها و ادارات به بهانه مراعات نکردن حجاب، افشای مضمون ارتجاعی لایحه نیمه وقت کردن کار زنان، کوشش در سازماندهی مبارزات زنان زحمتکش در حاشیه شهر تهران، پاسداری از سنت فرخنده ۸ مارس و تبلیغ آن در میان

کرده بود که این لایحه معجونی ضد دموکراتیک و ضد انسانی است که عواقب ناگوار و خطرناکی برای جامعه به بار خواهد آورد. (کار شماره ۱۰۸) و آنگاه که رژیم جمهوری

رفیق زهر آقائبی قلهکی

رفیق در تابستان سال ۱۳۵۲ به فعالیت مخفی روی آورد و به صفوف سازمان فدائیان پیوست. رفیق زهرا مدارج سازمانی را به سرعت طی کرد. رفیق در شاخه شمال در کنار رفیق بهمن روحی آنتگران مبارزات انقلابی خود را دنبال می‌کرد. رفیق زهرا در حمله ساواک در سال ۱۳۵۴ در شهرستان بابل دستگیر و ۱۱ ماه بعد پس از شکنجه‌های مولناک و مستمر در تاریخ ۲۹ آذر ۵۵، تیرباران شد. یادش گرامی باد.



خبرگان از سوئی باور عمیق خود را به ضرورت حضور زنان در همه شئون حیات اجتماعی نشان داد، و از سوی دیگر با معرفی این رفیق به توده‌ها ثابت کرد که به رغم تبلیغات مرتجعین، زنان می‌توانند و باید در همه عرصه‌ها و از جمله در امر قانونگذاری سهمی باشند. آرا بالائی که بنام رفیق دانشگری ریخته شد نشانگر توفیق مادر اثبات این حقیقت بود. این روش در انتخابات مجلس نیز با کاندیداتوری ۶ تن از زنان فدائی دنبال شد.

سازمان ما افشاگر سیاستهای ارتجاعی وزن ستیز جمهوری اسلامی بوده است. در شرایطی که سران مرتجع جمهوری اسلامی کوشیدند تا با تسویب لایحه قصاص، حقوق فردی و اجتماعی همه افراد جامعه و بویژه زنان میهنمان را پایمال کنند، نشریه کار، ارگان سازمان چنین اعلام کرد که: "این لایحه علیه توده‌های زحمتکش مردم و بسود ثروتمندان است، بر علیه خانواده و کودکان ماست و بر عدم اعتقاد بر حقوق اجتماعی مساوی بین زنان و مردان استوار است." (کار - شماره ۱۰ - سال ۱۳۶۰)

سازمان پیش از آن هم اعلام

اسلامی کوشید تا با تحمیل حجاب، حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی زنان میهنمان را به سلخ گاه امیال حجرین خود بکشاند، فدائیان در ارگان رسمی خود، کار شماره ۶۶، نوشت: "بدون تردید آنچه که امروز زیر پوش حجاب اسلامی تبلیغ می‌شود، نمیتواند بدون ارتباط با عدم اعتقاد جمهوری اسلامی ایران به اصل برابری حقوق اجتماعی و سیاسی زن و مرد، مورد قضاوت و ارزیابی قرار گیرد، سازمان ما ضمن محکوم کردن هر گونه اقدامی که به محدودیت اجتماعی حقوق زنان بیانجامد، معتقد است که باید قاطعانه با روایت و باورهای پیوسیده‌ای که شخصیت اجتماعی زن را لگدمال کرده است، مبارزه شود."

فعالین سازمان ما این تفکر و اندیشه انقلابی را در عمل پیاده ساختند و در برابر کوشش‌های ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی در محدودتر ساختن زنان در جامعه نیرو بسیج کردند. در مبارزه پیروزمندی که ما علیه قانون کار فوق ارتجاعی توکلی پیش بردیم، از جمله زویائی که بغایت مورد توجه بود، حقوق زنان بود. رژیم جمهوری اسلامی می‌خواست



عزم و اراده یگانه زنان و مردان مبارز میهن برای درهم کوبیدن هر گونه ستم و نابرابری در کردها‌های فدائیان خلق به نمایش گذاشته می‌شود.

گفتگوی "اکثریت" با ویمل فاروقی دبیر اول فدراسیون ملی زنان هند

هستند... ما، البته مسائل بین المللی مانند صلح و همبستگی با مردم کشورهای در حال مبارزه با امپریالیسم را نیز مورد توجه قرار داده و مبارزات زنان کشورمان را در این جهت سازماندهی می‌کنیم... ما باید به زنان بگوییم که چگونه از سوی نظام اجتماعی حاکم مورد استثمار قرار می‌گیرند. ما آنها را درباره حقوق شان و نیز ضرورت و امکان مبارزه علیه استثمار آگاه می‌کنیم."

دبیر اول ف.م.ز.ه. با اشاره بدین نکته که شیبات این فدراسیون، در سراسر هند وجود دارد و فدراسیون دارای نزدیک به یک میلیون عضو است، در باره شیوه‌های مبارزه فدراسیون خاطر نشان می‌سازد: "ما زنان را وارد عمل کرده و به آنها یاری می‌رسانیم، و بیشترین کوشش خود را در حل مشکلاتشان به کار می‌گیریم. در نتیجه، زنان بی خواهند برد که از طریق تشکل، می‌توانیم در کناریکدیگر مبارزه کنیم."

خانم فاروقی پیرامون عرصه‌های مبارزه کنونی زنان هند می‌گوید: "بیسوادی بین زنان ما بسیار گسترده است. برای زنان بیسواد، یافتن شغل بسیار مشکل است. در سال ۸۱-۱۹۸۰، ۷۵ درصد زنان ما بیسواد

زنان کشور پهناور هند، در مبارزه مردم این کشور علیه استعمار فرتوت بریتانیا، نقش برجسته‌ای داشتند. در سالهای مبارزه ضد استعماری، "کنفرانس سراسری زنان هند" به مثابه سازمان فراگیر زنان استقلال طلب و آزادیخواه هندی از همه طبقات و اقشار، رهبری پیکار زنان را بر عهده داشت. پس از استقلال، پیشروترین زنان دمکرات و مترقی هندی، در سال ۱۹۵۴ بر مبنای نفی استثمار سرمایه‌داری و دگرگونی انقلابی جامعه، در "فدراسیون ملی زنان هند" گرد آمدند. به منظور آشنایی با مبارزات این فدراسیون، خبرنگار "اکثریت" با خانم ویمل فاروقی دبیر اول فدراسیون ملی زنان هند (ف.م.ز.ه.) به گفتگو نشست.

خانم فاروقی می‌گوید: "سازمان ما یک سازمان فمینیستی نیست. ما باید همراه با مردان برای احقاق کامل حقوق دمکراتیک مان مبارزه کنیم و مبارزه نیز کرده ایم. ولی ما می‌دانیم زنان به دلیل تبعیض‌هایی که در جامعه نسبت به آنان روا داشته می‌شود دارای مشکلات و مسائل بخصوص خود

بودند. حتی برای آنهایی نیز که آموزش دیده‌اند، در مواردی شغلی پیدا نمی‌شود. ما خواهان آن هستیم که دولت حداقل ۲۵ درصد مشاغل را به زنان اختصاص دهد. دولت هنوز با این خواسته موافقت نکرده است، ولی ما همچنان برای تحقق آن مبارزه می‌کنیم. با ماشینی شدن تولید، بسیاری از زنان از کار بیکار شده‌اند. در کارخانجات نیز تعداد زیادی از آنها تحت فشار قرار گرفتند تا از کارشان دست بکشند. هنگام استقلال هند، شمار زیادی از زنان در صنایع نساجی کار می‌کردند. بسیاری از آنها شغل هایشان را از دست دادند. بنابراین، باید از سوی دولت برای زنان قوانین رفاهی در نظر گرفته شود."

دبیر اول ف.م.ز.ه. می‌افزاید: "این یک واقعیت است که زنان بیش از مردان کار می‌کنند. صنایع چای، مثال بارزی در این مورد است... با این حال، مردان بیش از زنان دستمزد می‌گیرند. زنان از هیچگونه امنیت شغلی برخوردار نیستند."

اما با همه ستمی که اقتصاد سرمایه‌داری متوجه زنان می‌سازد، زنان هند به عنوان نیمی از جامعه، به نقش خویش بیش از پیش آگاهی می‌یابند. خانم فاروقی تأکید می‌کند: "در حیات سیاسی هند، زنان بسیار فعال بوده و شرکت چشمگیری دارند. زنان برای وحدت ملی مبارزه



می‌کنند، آنها قادر به انجام همان فعالیت‌هایی هستند که مردها انجام می‌دهند. بارزترین گواه این ادعا، این است که ما یک نخست وزیر زن داشتیم."

از خانم فاروقی درباره ستمی که رژیم قرون وسطایی خمینی بر زنان ایران روا می‌دارد می‌پرسیم. ایشان چنین پاسخ می‌دهند: "ما احساس همبستگی و پشتیبانی عمیقی نسبت به زنان مبارز ایران داریم و معتقدیم آنها کار بسیار با ارزش و مهمی را برای حقوق زنان انجام می‌دهند، زیرا بنیادگرایان مذهبی بسیار خطرناکند. من امیدوارم زنان ایران به اهداف خود برسند و در مبارزات خود پیروز شوند. ما همبستگی کامل خود را با زنان ایران اعلام کرده و آرزو می‌کنیم که به حقوق دمکراتیک خود در ایران برسند. من به خاطر شهادت زنان ایرانی در مبارزه، به آنها تبریک می‌گویم!"

جنگ باشند. زنان هستند که در بسیاری موارد بایستی به تنهایی بار تأمین مالی خانواده‌ها را بدوش بکشند. و نیز همچنانکه تا کنون بارها شاهد بوده ایم زنان هستند که در مقابله با جنگ وظایف سنگینی را بر عهده گرفته و پیش می‌برند.

اکنون هر چند وحشیانه زنان را در ایران سرکوب کنند، آنان محکم و استوار به مبارزات خود ادامه می‌دهند و بهمانگونه که در برابر رژیم شاه رزمیدند هم اکنون نیز بی‌خاسته و در راه پیروزی انقلاب و استقرار دمکراسی و حقوق برابر برای زنان مبارزه می‌کنند.

در پایان گفتگویمان، رفیق آنجلاد دیویس ضمن محکوم کردن جنایات رژیم خمینی علیه مردم و انقلابیون ایران، نسبت به خطری که جان اعضای در بند رهبری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) را تهدید می‌کند، ابراز نگرانی نموده بار دیگر بر همبستگی عمیق خود با مردم ایران و مبارزات آنان تأکید ورزید.

آزاد شده بودند هم اکنون دوباره بعنوان زندانی سیاسی به پشت میله‌ها باز گردانده شده‌اند. میدانیم که بسیاری از زنان جوان، دختران نوجوان و نیز بسیاری از زنان سالخورده در زندانهای رژیم اسیرند. من فکر می‌کنم این وظیفه مردم جهانست که با اعمال فشار بر رژیم خمینی، طالب آزادی همه زندانیان سیاسی و بخصوص زنان زندانی شوند. من در سفر تابستان به نایروبی (کنفرانس جهانی دهه زن) شاهد نقش تحسین برانگیز زنان مترقی ایرانی بودم. در کنفرانس البته نمایندگان که از جانب ایران شرکت داشتند بالطبع نمایندگان دولت ایران بودند که با توسل به احکام مذهبی میکوشیدند کلیه فشارهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فردی را که هم اکنون بر زنان ایران اعمال میشود توجیه نمایند.

باید بگوییم زنان در دوران جنگ، دچار زجر و مصیبت زائدالوصفی هستند. زنان هستند که مجبورند شاهد رفتن همسران، پسران و برادرانشان به جبهه‌های بی بازگشت

آنجلاد دیویس در مصاحبه با اکثریت زنان زندانی ایرانی باید آزاد شوند!

در انقلاب بهمن ۵۷ و سرنگونی رژیم شاه ایفانمودند. ولی پس از انقلاب، جمهوری اسلامی به نحوی وحشیانه به پایمال ساختن حقوق اجتماعی و انسانی آنان پرداخت. از شما خواهش می‌کنم نظر خود را در باره وضعیت کنونی زنان ایران بیان کنید.

*** من خود را بخصوص به مبارزات زنان ایران بسیار نزدیک احساس می‌کنم. زنان ایران در انقلاب بهمن نقش قاطع و بسیار موثری بعهده داشتند بطوریکه بسیاری از ما فعالیت‌های انقلابی و فدائیکارانه‌شان قرار گرفتیم. اما اکنون جمهوری اسلامی بار دیگر چتر اختناق را بر کشور کشوده و بطور اخص زنان را از جهات بیشتری تحت فشار قرار میدهد. بسیاری از زنانی که در زمان رژیم شاه در زندانها بودند و پس از انقلاب

بقیه از صفحه اول

* عقیده شما در باره جنگ خانمانسوز ایران و عراق و حضور نظامی آمریکا در منطقه خلیج فارس چیست؟

** این جنگ با منافع مردم در تضاد است. البته دولت ریگان از ادامه جنگ پشتیبانی میکند. تاکنون یکصد میلیون دلار در ادامه سیاست نظامیگری آمریکا توسط دولت ریگان در آن منطقه صرف شده است. این جنگ بارگرانی بر دوش مردم ایران است. از اینرو بسیار روشن است که چرا مردم خواهان قطع فوری این جنگ هستند. مردم آمریکا نیز وظیفه دارند با اعمال فشار بر دولت ریگان وی را از ادامه حمایت از این جنگ خونبار بازدارند.

* رفیق آنجلا همانطور که میدانید زنان ایران نقش بسیار مهمی

مصاحبه اکثریت با «مرجیت کر» دبیرکل فدراسیون سراسری دانشجویان هند

رفیق «مرجیت کر» دبیر کل فدراسیون سراسری دانشجویان هند عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست است. «مرجیت کر» طی سالهای متعددی از چهره های درخشان جنبش دانشجویان و جوانان هند بوده است.

همبستگی زنان آزادیخواه جهان برخوردارند.

* هماتگونه که مطلع هستید رژیم خمینی چند تن از کادرهای برجسته سازمان که در میان آنها رهبران سازمان جوانان فدایی ایران (اکثریت) نیز وجود داشتند، به شهادت رسانیده است، آیا در این باره صحبتی دارید؟

** ما از ستم ها و جنایات رژیم خمینی علیه مبارزان میهن پرست و ضد امپریالیست، این بهترین فرزندان مردم ایران آکاهیم. ما رفتار ناساوانمردانه رژیم ایران را علیه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، حزب توده ایران و سایر نیروهای انقلابی که در پیروزی انقلاب ایران علیه رژیم گذشته نقش مهمی داشتند پشت محکوم می کنیم.

ما از شنیدن خبر شهادت چند تن از رهبران اسیر سازمان عینقا متأسف شدیم. اما ما مطمئن هستیم که مبارزه ادامه خواهد یافت و از صمیم قلب پشتیبانی خود را از مبارزات جوانان مرفقی ایران برای پایان دادن به جنگ جنایتکارانه ایران و عراق، علیه بربریت، واپسگرایی و خرافه پرستی رژیم خمینی و پیکار آنان برای آینده ای بهتر، اعلام می کنیم.

ما و شما دارای وجه مشترکی در مبارزه علیه امپریالیسم و نیروهای ضد خلقی هستیم. ما در هند به همراه دیگر نیروهای مرفقی فعالیت خود را در همبستگی با دانشجویان و جوانان ایرانی در نبرد برحق شان، از طریق راهپیمایی ها، گردهمایی ها، تظاهرات و نشریاتمان ادامه خواهیم داد.

دیگر خلق ما را تعقیب می بخشد. * توطئه های امپریالیسم آمریکا علیه هند را چگونه می بینید؟ ** امپریالیسم آمریکا همواره علیه ثبات و امنیت هند توطئه می کند. این یک حقیقت آشکار است که دولت آمریکا، دولت هند را در احاطه فشار نظامی قرار داده است.

البته کشور ما دارای اقتصاد مختلطی است که در جاده سرمایه داری به پیش می رود و نتیجه آن چیزی نیست جز افزایش بیکاری، بالا رفتن قیمت ها، تبعیض و نابرابری در جامعه. چنین وضعیتی اوضاع را برای نیروهای طرفدار امپریالیسم مساعد می کند تا اقدامات ضد ملی خود را که مانع پیشرفت جنبش انقلابی - دمکراتیک در کشورمان می شود، گسترش دهند.

* شما به عنوان یک زن، چه پیمایی به زنان ایران دارید؟

** ما وضعیت زنان ایران و مبارزه آنان علیه بربریت رژیم واپسگرای اسلامی خمینی را درک می کنیم. ما زنان هند در کنار زنان قهرمان ایران علیه رژیم شاه بودیم و از مبارزات ضد امپریالیستی آنها در انقلاب حمایت نمودیم. امروز نیز در کنار آنها ایستاده ایم. زنان ایران پیروز خواهند شد و در نبرد خود از

استعمار نو و همه اشکال بهره کشی سیم بوده است.

* فعالیت های کنونی اتحادیه سراسری دانشجویان به ویژه در رابطه با جوانان حول چه مسائلی است؟ ** در حال حاضر سازمان ما علیه اقدامات جدایی طلبانه و دسته بندی نیروهای ضد ملی و مشکوکی مبارزه می کند که شدیداً وحدت ملی و تمامیت ارضی کشورمان را با تکیه بر حمایت امپریالیسم آمریکا و مزدورانش، مورد تهدید قرار داده اند.

همچنین سازمان ما حمایت خویش را از سیاست جدید آموزش ملی رایگان، جدا از واپسگرایی، کاست پرستی و جدایی طلبی اعلام کرده است. ما خواهان یک سیستم آموزشی سراسری علمی هستیم که با پیشرفت و برنامه ریزی ملی هماهنگ باشد. ما فعالیت های خود را برای از بین بردن بیکاری افزایش داده و خواهان آفیم که دولت به حق کار به مثابه یک حق قانونی برای جوانان توجه زیادی نماید.

در عرصه جهانی، (A.I.S.F) نظرات دانشجویان هندی را علیه طرح جنگ ستارگان و حمایت از پیشنهادات صلح شوروی و دیگر ملل صلح دوست بیان می کند و همبستگی آنان با مبارزات ضد امپریالیستی جوانان و دانشجویان

برای اینکه خوانندگان خویش را در جریان وضعیت و مبارزه جوانان و دانشجویان هند قرار دهیم خبرنگار ما مصاحبه ای با «مرجیت کر» به عنوان دبیرکل فدراسیون سراسری دانشجویان هند انجام داد که در زیر می خوانید.

* لطفاً در مورد تاریخچه فعالیت های فدراسیون سراسری دانشجویان هند و عملکرد آن توضیح دهید. ** فدراسیون سراسری دانشجویان هند در اوت سال ۱۹۳۶ ملی نبرد جنبش آزادیبخش ملی کشور ما علیه حکومت استعماری بریتانیا (استعمار بریتانیا)، تأسیس شد. این فدراسیون تنها سازمان دانشجویان و جوانان آن زمان بود که در پیوند با جنبش میهن پرستانه کشور ما علیه امپریالیسم مبارزه نمود. نقش پیروزمندانه تاریخی فدراسیون، آثرا مظهر شرکت دانشجویان در کسب استقلال ملی ساخت.

پس از استقلال نیز سن مبارزاتی فدراسیون سراسری علیه توطئه های امپریالیسم در هند و همچنین دیگر نقاط جهان ادامه یافته است. (A.I.S.F) نیل به ارزش های مردمی، دمکراتیک و سوسیالیستی در هند، پیکار کرده و در مبارزه برای پیشرفت ملی، علیه

مبارزین اسپانیایی در دفاع از فدائیان

۱۸- انستیتوی مطالعه مسائل آفریقا و آمریکا ی لاتین
۱۹- انجمن طرفداران یونسکو در اسپانیا
۲۰- انجمن فرهنگی کوبا و اسپانیا
۲۱- انجمن وکلای جوان
شهردار مادرید نیز ضمن امضا کارت مینی برخواست آزادی رفیق لطفی و همزمان تلگرامی به سفیر جمهوری اسلامی در مادرید ارسال نمود که در آن آمده است:
هر لحظه شدیداً نگران اعدام انوشیروان لطفی که مغایر با موازین انسانی و حقوق خلقهاست می باشیم. خواهشمندیم نگرانی شدید و خواست ما را مبنی بر لغو چنین حکمی به رئیس جمهور اسلامی ایران اطلاع دهید.

تویکه تیرنوگالبان
شهردار مادرید

- ۹- خوزه آکارساروبیو، عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست (اسپانیا)
- ۱۰- آلوتستین خوگلاس تورییبوسمول مالی حزب کمونیست (اسپانیا)
- ۱۱- لئونیدز مونثرو، دبیر روابط بین المللی سندیکاهای کارگری اسپانیا
- ۱۲- ویکتور مورالس خیلا، مسئول سازمان جوانان حزب کمونیست (اسپانیا)
- ۱۳- خوزه میکال لیسیدس آلوس، مسئول سیاسی کمیسیون جوانان حزب کمونیست (اسپانیا)
- ۱۴- میکال ناوروس، نویسنده انقلابی
- ۱۵- ترینیداد توریخوز بی منتل، روزنامه نگار
- ۱۶- بیلن آوسو، نقاش مبارز اسپانیا
- ۱۷- حزب کمونیست کارگری (اسپانیا)

- ۲- کارلوس فومینایامندس، بنیانگذار حزب کمونیست (اسپانیا)
- ۳- خایمه بایسترو، عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست (اسپانیا)
- ۴- خوزه لوئیس مارینتو، عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست (اسپانیا)
- ۵- لوئیس کابوبراو، عضو دبیرخانه حزب کمونیست (اسپانیا)
- ۶- خوزه ماریامارتین، مسئول سازمان جوانان حزب کمونیست (اسپانیا)
- ۷- خوزه لوئیس گارسیا کاراسو، عضو کمیته اجرایی سندیکاهای کارگری اندلوسیا و عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست (اسپانیا) در اندلوسیا
- ۸- خاویر تورنته مالوئیدو، عضو کمیسیون روابط بین الملل حزب کمونیست (اسپانیا)

در شماره ۸۷ اکثریت و شماره های پیش از آن، گوشه هایی از همبستگی پرشور اجزاب، سازمانها، انجمن ها و شخصیت های برجسته و انقلابی اسپانیا با فدائیان اسیر را منعکس کردیم.

دفاع کمونیست ها و مبارزین ترقیخواه این کشور از فدائیان در بند و سایر انقلابیون در زنجیر میهن مان، همچنان اشکال تازه تری می باید که امضای کارت دفاع از جان رفیق انوشیروان لطفی و ارسال آن به ایران، نمونه ای از آن است.

اسامی تعدادی از کسانی که کارت مزبور را امضا کرده اند چنین است:

(۱- ایگناسیو کایکو، دبیر اول حزب کمونیست (اسپانیا))

ترجمه نوشته‌های آرنشیریه بررسی
مارکسیستی جهان شماره ۶ سال ۱۹۸۵

... و این آزمون آخرین نبود

آنچه که در زیر می‌خوانید نامه‌ای است از یک کمونیست جوان ترک. او توانسته است این نامه را از پشت میله‌های زندان برای رفقایش بفرستد. نویسنده نامه هنوز در سیاهچالهای رژیم ارتجاعی ترکیه گرفتار است. در این کشور هم اکنون هزاران مبارز دمکرات و دیگر میهن‌پرستان، علیه رژیم دیکتاتوری نبردی سهمگین راه پیش می‌برند. رژیم نظامی که با حمایت واشنگتن پس از کودتای سال ۱۹۸۰ بر کشور مسلط شده است، ترکیه را به زندانی بزرگ بدل ساخته است.

☆☆☆

چشمانش را با پارچه سیاهی بسته بودند. با احساس هوای تازه‌ای که پوست صورت زخمیش را نوازش می‌داد، دریافت که از ساختمان خارج می‌شوند. وقتی که مامورین، آن روز بازم به سراغش آمدند، فکر کرد که میخواهند طبق معمول او را به شکنجه گاه ببرند. ولی پس چرا در محلی دیگر، در خارج از اداره یکم (۱) در اداره یکم که هرآنچه لازم داشتند موجود بود.

برای یک لحظه بارقه‌امیدی در دلش شعله‌ور گشت: ممکن است آزاد شود؟ امامحاکمه که هنوز به پایبان نرسیده بود. امیدشعله‌ور شده فرونشست. پس او را کجا می‌برند؟ ننگد که او را نیز چون رفیق دمنیز (۲) به قبرستانی می‌برند تا کسی قادر نباشد تحویل جسدراتفاضا کند؟ سرمائی عذاب‌آور همه سلولهای تنش را فرا گرفت و شروع به لرزیدن کرد. صدای مردی را شنید که ده روز به طور مرتب از او بازجویی کرده بود: "چی شده؟ زانوهات می‌لرزند؟" بازجوبا صدائی بلند به بیخ دستی‌اش گفت: "ببین شوالیه شجاع ما چطور مثل برگ از یک وزش باد می‌لرزد؟ شاید دیگر فهمیده که چه سرنوشتی انتظارش را می‌کشد؟ چی فکر کردی آقا پسر؟ فکر کردی می‌توانی با پلیس دربیفتی؟ ما الان دیگه خلاصت می‌کنیم!"

زندانی آرام به حرفهای آنها گوش می‌داد و رنج می‌برد، چون برای پایان دادن به لرزه‌های کاری از او بر نمی‌آید. با خود گفت: "نباید فکر کنند که من حرفشان را باور کردم؛ ناله‌ها چون از شکنجه چیزی عایدشان نشده، خیال دارند مرا تحت فشار روانی قرار دهند." ولی این فکر که

شاید این دیگر پایان کار باشد، یک لحظه هم رهایش نمی‌کرد. از بدو دستگیری خود را آماده پذیرش هر چیزی حتی مرگ هم کرده بود، ولی مردن چقدر دشوار است. چند خط از اشعار ناظم حکمت را به یاد می‌آورد:

راه توبه مرگ منتهی می‌گردد.
چراغها رو به خاموشی
میروند...

در آنسوی مرگ هیچ توفقی
وجود ندارد.

به داخل ماشین هلش دادند، خودشان هم سوار شدند و ماشین راه افتاد. در روز دستگیری هنگامیکه او را به اداره یکم می‌آوردند، با حسرت فراوانی پاییز طلایی درختان را تماشا می‌کرد. فکر می‌کرد که هرگز دیگر این زیباییها را نخواهد دید. اکنون در حالیکه پارچه سیاهی به چشمانش بسته بودند، او را به محل نامعلومی منتقل می‌کردند، احتمالا دیگر هوا تاریک شده بود.

از سرو صدای ترافیک سنگین حدس زد که اکنون از خیابان شلوغی گذر می‌کنند. او نیز مدت زمان کوتاهی پیش از بازداشت، در چنین خیابان شلوغی بارفیک مسئول حزبی در سازمان جوانان قدم زده بود. بحث بسیار داغی بین آنها در گرفته بود. رفیق به او گفته بود که توده‌ها آماده حرکت هستند و وظیفه ما بسیج و رهبری صحیح آنهاست. او خودش هم چنین اعتقادی داشت ولی توجه می‌داد که وضع دانشگاهها فرق دارد. به نظر او جو حاکم بر دانشجویان جو خرده‌بورژوازی است و آنها ترجیح میدهند که به جای مبارزه برای حقوق صنفی و دمکراتیک خود، مشغول خوشگذرانی باشند.

پس از مدتی او صحت نظرات خود را زیر علامت سؤال برد و تا آغاز سال تحصیلی - که شاهد حرکت دانشجویان شد - نتوانست عقیده ثابتی پیدا کند. هزاران تن از آنها و از جمله دانشجویان دانشکده‌ای که خود نیز در آنجا تحصیل می‌کرد به طور خودبخودی به اعتراض علیه موانع انضباطی که از طرف مسئولان دانشگاه وضع شده بود، افزایش شهریه تحصیلی و سرکوب پلیسی برخاستند.

بار دیگر وقتی که با رفیق مسئول ملاقات کرد، با خوشحالی فراوان از حرکت دانشجویان برای او تعریف کرد. رفیق در حالیکه تلاش می‌کرد هیچان او را فرو بنشانند برای

چندمین بار به او یادآوری کرد که: "تو اکنون باید خیلی مواظب باشی تا اعضای سازمانت ان نقش "آشوبگر" را بازی نکنند" ولی هیچان این حرکات چنان او را مسحور کرده بود که این تذکر بر او تأثیری نگذاشت.

سازمان هیچگونه اقدامات پیشگیرانه اتخاذ نکرد و رهنمود حزب برای افزایش هشجاری به رده‌های پایین نرسید. از سوی دیگر این حرکات، اولین نمایش عمومی دانشجویان بود و چنان بر او تأثیر گذاشت که ملاحظات مخفی‌کاری در شرایط تسلط حکومت ارتجاعی را فراموش کرد. پلیس از همین نقطه ضعف استفاده نموده و شروع به دستگیری شرکت کنندگان تظاهرات کرد. یک شب هم پلیس درب خانه او را به صدا درآورد.

آن روزی را که "گوریلها" دستگیرش کردند، بخاطر آورد. دستگیری برایش غیرمنتظره بود. همه چیز آنقدر سریع اتفاق افتاد که کیچ شده بود. در حالیکه خیلی ترسیده بود، احساس می‌کرد که زندگیش دیگر به آخر رسیده است. خودش را به سختی جمع و جور کرد و شروع به سنجیدن اوضاع نمود. دو چیز بلافاصله در ذهنش نقش بست: "ممکن است بمیرم" و "هرگز خیانت نخواهم کرد." بعد از دستگیری روزها وسعتهای دشوار و ملاقات فرساینده پشت سر گذراند. بارها تا سرحد مرگ او را شکنجه کردند ولی هرگز فکر خیانت به رفقا به مغزش خطور نکرد.

و اکنون او را به مقصد نامعلومی می‌برند،

این ممکن است آزمون آخرین باشد.

باز در افکار خود غوطه‌ور شد. بنظرش رسید که حرفهای رفیق حزبی را در مورد "مسئولیت فردی"

می‌شنود. رفیق، این سخنان را نه مثل یک معلم که مثل یک دوست گفته بود: "تقویت این حس مسئولیت در خود و دیگران از اهمیت بسیاری برخوردار است این امر موجب خواهد شد که آسانتر بتوانیم مسایل خود را حل کرده و در هر موقعیتی نیاز به مشاوره یک راهنما نداشته باشیم. البته رهبران باید به ضعفها اشاره نموده و سیاستهای حزب را تعیین کنند ولی این سیاستها توسط کسانی به‌مورد اجرا در می‌آید که از آنچه در حوزه کار و محیطشان می‌گذرد، با خبر هستند.

قلبها و مغزهای آنها به ایشان خواهد گفت که کارها را چگونه پیش ببرند. این شرط اصلی برای کار پرثمر حزب است."

در حین یادآوری این ملاقات، خودش را مثل کسی احساس کرد که از قطار جامانده باخود فکر می‌کرد: "اگر مسئولیت فردی خود را آنطور که لازم بود انجام میدادم، اکنون در این وضع به سر نمی‌بردم و مهمتر آنکه به سازمانم ضربه نمی‌خورد." بهرحال مبارزه علیرغم تمام اینها ادامه داشت. او هم درست حالا در این شرایط طاقت فرسا باید می‌جنگید. آنچه اکنون بیش از همه باعث قوت قلبش می‌شد آن بود که در زندان هم چون یک انقلابی رفتار کرده بود. تسلیم دشمن نشده و او را از نظر اخلاقی شکست داده بود.

ماشین وارد جاده‌ای سنگلاخ شده و پس از مدت کوتاهی متوقف شد به بیرون هلش دادند، افتاد و به یک سنگ برخورد. وقتی سعی کرد بلند شود، ضربه مشتیی بر سرش خورد پیش خود فکر کرد: "باز هم شروع شد." ولی دیگر کسی او را نزد. یکی از آنها دستش را گرفت و کمکش کرد تا بایستد. صدای ناآشنائی گفت:

"بچه، خوب گوش کن بهت چی می‌گم. ده روزه که داری مسخره‌مان می‌کنی. گرچه تا حالا هیچ حرفی نزدی، ولی ما همه چیز را در مورد تو می‌دانیم. حالا باید انتخاب بکنی. یا همین الان به سولانمون جواب میدی یا توی همین جنگل می‌کشیم."

پیش خود فکر کرد. "این دیگه جدیه" داشت خودش را می‌دید که چند دقیقه بعد جسدش در حالیکه سوراخ گلوله‌ای بر پیشانی‌اش نقش بسته، قاطی گل ولای شده و همه چیز تمام می‌شود. ولی بلافاصله پیش خود آن لحظه‌ای را تصور کرد که از در دانشگاه در حالیکه سرش را پائین انداخته وارد می‌شود

و دوستان سابقش به او به چشم یک خائن نگاه میکنند. با خود می‌گفت که هرگز حتی لحظه‌ای حاضر نیست به قیمت خیانت، به زندگی ادامه دهد. او نیک می‌دانست که زندگی یک خائن هزار بار نیکتر از مرگش است. همان صدا به صحبت ادامه داد: "تاسه می‌شمرم، اگر بگی بلی، زنده می‌مونی" همکاران این جلداد بازوهایش را گرفته و وادارش کردند تا زانو بزنند. صدای تق اسلحه را شنید که آماده شلیک شده بود. پشتش لرزید ولی بلافاصله توانست بر خود مسلط شود. اگر تسلیم می‌شد، عملاً تمام آن چیزهایی را که تا به حال به زندگی مفهومی بخشیده بود زیر پای می‌گذاشت.

نوانستیم ابتدا و انجام آن را پیدا کنیم. قسمتی از آن را با خوانندگان مرور می‌کنیم:

پنجره راست
و همچو جویبار زلالی
گذر کرد از پهنشدن خاطره‌های سبز
وز کوهسار دور
سوی دیوار سایه‌های تار.

* رفیق توده‌ای نینا. شعری را که با یاد رفیق تابان گفته بودید دارای ریتمی تند بود که خود بخود ظرف مناسبی برای مفروض آنچنان اندوهگین که خود بدان اشاره کرده‌اید نیست. شکل، همواره باید در راستا و مکمل مضمون باشد و با روح اندیشه انطباق داشته باشد. موفق باشی.

* رفیق علی! شعرتان که با یاد شهید رضی بود می‌توانست با تلاش و زحمت بیشتر، شکل و شمایل بهتری بیابد. چند سطر آن را با هم بخوانیم:

نمات به شکوفایی یک حماسه و افتخار
در قلب اندوهگین زحمتکشان خواهد
روئید

ای نهرمان!

*** تذکر**

برخی از خوانندگان گرامی در مکاتبه با ما گهگاه برخی کلمات و عناوین را به آدرس نشریه می‌افزایند، از همه کسانی که می‌خواهند برای ما نامه بنویسند تقاضا می‌کنیم، آدرس کامل نشریه را بدون افزودن کلمه و عنوان دیگری در پشت پاکت درج نمایند و مطمئن باشند که بدست ما خواهد رسید.

لاله را سرازید. پیچ در پیچ شکست
خنده‌های زرد و مرد
کوچه در گل بنشست.

* رفیق سینا. م. شعر تو را که بخاطر شهادت رفیق تابان سروده‌ای خواندیم. امیدواریم قلم و قدمت پویا و پرتوان باشد.

* رفیق م. ز. کیوان
شعر شما که با یاد رفیق تابان سروده‌اید با علاقه خواندیم. بخشی از اثر در اینجا مروری دوباره می‌کنیم:

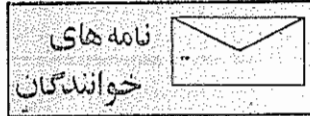
اما شکوه آن ستاره
آن اختر دو شامگاه قیر اندود
آن بیک پیغام آور صبحی دل انگیز
رویای این ناباوران را در هم آشفست
او این چنین گفت:

- خورشید ما نور عیانست
- خورشید ما پرتو فشانست
- خورشید تابان است در ما
- گیرم و رای بوم شب چندی
- نهانست.

* رفیق ف. ع. شعر "خورشید تابان" شما، خود نویسی عزمتان در ادامه راه رفیق شهید تابان است. موفق باشی.

در معبر شکنجه و داغ
در بید کاه ظلمت
خاموش و استوار پای فشرده.
اینک نام اوست بنشسته سرفراز
بیتارک روشن انسان
در مرز ناپیدای آمیزش با تاریخ.

* دوست بی‌نام و نشان! شعر بی‌نام شما را خواندیم. ای کاش آنرا بیکبار دیگر، خوانا و مرتب می‌نوشتی و بعد برای ما می‌فرستادی. ما به سختی



* رفیق ع. شفق "منظومه سهره" شما را که به یاد رفیق شهیدمان رضی الدین تابان سروده بودید با علاقه خواندیم. سرود ستایش انگیز شما درباره انسانی ستایش انگیز نشانه راهیست که تداوم داشته است و خواهد داشت. در اینجا بخشی از شعر خوبتان را همراه با خوانندگان نشریه مرور می‌کنیم:

چه زود رسید یار من، چه زود
مرگ سهره

و غزل کوتاهش ناتمام
که نه اشکی مهیا دارم
و نه در سوکش چکامه ای
کوچ را اما گویا ز نماند
که من سرودی خواهم کرد تابان را
منظومه‌ای موزون

* رفیق ع. افشار. از شما شعر به اسمی "در پویش بهار"، "سرود اتحاد" و "کوچه آذین نبود" به دفتر اکثریت رسید. احساسات پاک و بی‌شائبه شما را می‌ستائیم. توصیه می‌کنیم بیشتر و بیشتر به غنای ذهنی خود بپردازید و تا سر حد امکان "ایجاز" را در اشعارتان رعایت کنید. اینک قسمتی از یکی از اشعار شما:

بهمین، آنسال
ز بیایی، ز بیایی بود
باد آغاز وزیدن می‌کرد
ابر هاتیره و تار
و سرودی به مهابتگی پیکار روان
سید انباشته از سرما شد

جلاد شروع به شمارش کرد. "یک" کمی مکث کرد "دو" و بلافاصله با لحن بسیار خشکی گفت: "فرصت تمام شد. برای آخرین بار در مورد خانواده‌ات فکر کن" این حرفها موجب نشد که او به یاد پدر و مادر خود بیفتد. او زن جوانی را بخاطر آورد که با نوزادش پشت میله‌های زندان ایستاده بود.

او این زن جوان را در اداره یکم دیده بود. شوهر این زن، یک کمونیست بود که جلادان در تلاش به دام انداختن او بودند. پلیس، این زن جوان و نوزادش را گروگان گرفته بود. به او در طول روزهایی که این زن جوان در اداره یکم بود، نه ثان و نه آب، هیچ چیزی نداده بودند. لبوایش از فرط تشنگی خشک و زبانش از گرسنگی ترک برداشته بود. بسیار اتفاق می‌افتاد که از گرسنگی، تشنگی و شکنجه بیهوش می‌شد. این زن موفق شد مخفیانه پرتقالی بدرون سلولش بیاندازد. آن پرتقال نه عطشش را فرو نشاند و نه گرسنگی اش را بر طرف کرد ولی کار این زن، چقدر به او قوت قلب داد! او در حالی دست به این عمل متهورانه زد که می‌دانست در صورتیکه گرفتار شود چه بلایی سرش خواهند آورد.

اکنون چه می‌بایست بکنند؟ آیا حالا که دستهایش را بسته اند و اسلحه‌ای نیز به طرفش نشانه‌گیری شده باید شهادت خود را از دست داده و مثل گرمی بلرزند؟ "خیر، من هرگز به این مادر جوان و نوزادش خیانت نخواهم کرد." بار دیگر شعر ناظم حکمت را بیاد آورد: "در آنسوی مرگ هیچ توقفی وجود ندارد." "سه" صدای جلاد رشته افکارش را گسست. پس از مکثی کوتاه، شلیک گلوله، پرده سکوت را درید. احساس کرد که در حال سقوط به خلا است.

وقتی بیهوش آمد، ماشین در حال حرکت بود. او نعمت زنده بودن را احساس می‌کرد. او آهنگ شاد ماهیگیران را بخاطر آورد. هنوز هم ترس داشت ولی سربلند بود از آنکه کسی را لو نداده بود و حرفی نژده بود. داشت با خودش می‌گفت: "این آزمون آخرین نبود. نبرد همچنان ادامه دارد"

۱- یکی از ادارات پلیس است که به "جرایم سیاسی" رسیدگی می‌کند.
۲- اسم مستعار "مصطفی کیروان اغلو" عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست ترکیه که در نوامبر سال ۱۹۸۲، پس از شکنجه‌های ممتد توسط پلیس، شهید شد.
۳- اشعار این نوشته بخشهایی از یک شعر ناظم حکمت است.

کتاب‌های مالی رسیده	هزینه چاپ این شماره "اکثریت" را
به نام رفیق غلام از گوتنبرگ - سوئد ۶۰۰ کرون	مشترک‌کارهای مواد سازمان در
م - آینه از امئو - سوئد ۲۰۰ کرون	بیلفلد و پادربورن در آلمان فدرال
عزیز از امئو ۲۰۰ کرون	تأمین کردند
۴۰ مارک	"لائورا" از آلمان فدرال

برای رهایی مردم ایران

رفقا و دوستان عزیز!

بکوشیم تا در پانزدهمین سالگرد بنیانگذاری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، برای کمک به رهایی خلق ایران همه ابتکارات را برای جلب هرچه بیشتر پشتیبانی مالی از سازمان بکار بندیم!

فالانتر بازی!

انتقادات ایشان را بر کتابهای درسی در زیر بخوانید تا به میزان نکته سنجی این "برادر" آینده داری ببرید:

"در کتاب فارسی کلاس اول ابتدایی که تصاویر بسیار زیادی از زن و مرد دارد، حتی یک مورد زنی با چادر نقاشی شده است. در تمام این کتاب فقط در ۵ صفحه، مردان با ریش نقاشی شده اند. در صفحات ۵ و ۶ در هر صفحه ۹ عکس کوچک دارد که در یکی دو تای آنها مردی با ریش است..."

اگر ناز و غمزه، برای دختران - مثلا دخترکان خردسال کلاس اول دبستان - چیزی طبیعی قلمداد می شود، برای پسران این حرکات، نشانه بیماری و انحراف است. ولی در کتاب فارسی کلاس اول، در صفحات ۱۸، ۲۲، ۲۶، ۴۷، ۶۱، ۶۶، ۸۲، ۹۶، پسر در تصویر، قیافه یا حالتی دخترانه دارد.

در صفحه اول کتاب مورد بحث کلاس دخترانه ای ترسیم شده است که دختری در جلوی کلاس به لوحه ای اشاره کرده است که در آن تصویر یک تک نقاشی شده است. یعنی اولین نقش در اولین روز مدرسه و بر اولین صفحه کتاب در اولین سال تحصیلی اشاره به سک کرده است (در حالتی که حتما به نظر این نویسنده شایسته بود این صفحه به عکس امام خمینی اختصاص می یافت).

در کتاب علوم کلاس دوم ابتدایی هم، زن چادری اصل نیست، مرد ریشدار فقط در دو جاست!

حالا سری به کلاس سوم راهنمایی بزنیم و این دوره حساس بلوغ را بخصوص در کتاب انگلیسی تماشا کنیم. در این کتاب خوشبختانه لااقل یک مورد زن چادری نقاشی شده است. اما جالب است که این مورد هم در صفحه ۲، یک چادر صورتی رنگ است با گلهای قرمز!

درس ۴ در صفحه ۱۸... دختری دارد به طرف تخت خوابش می رود و با روسری و باپاهای لخت!

صفحه ۷۰ کتاب موجود، برای

دختر و پسر ۱۵ و ۱۶ ساله ما عکس لباس زیر مردانه را تصویر کرده است و در کنار آن هم نوشته که این لباسها را مادر، برای برادرم خریده است... عکس لباس زیر پسران در کتاب درسی؟ اینها تعلیم و تدریس ارزشها و معیارهای اسلامی است! "جل الخلاق اه

یکی از مضحک ترین و چندش انگیزترین جنبه های فالانتر بازی در جمهوری اسلامی رقابت در فالانترگری است: حریفان دغل با هم ساخت و ساخت و بیدوبست کرده اند و به غارت و ویرانگری مشغولند که ناگهان یک حزب الهی فالانتر دو آتشه فردی اعلا به وسط صحنه می پرد و ادعا می کند که بقیه حزب الهی های اداره، وزارتخانه ویا هر گدر و چهارسویی که به او هم روزی می رساند و یا باید برساند، به اندازه کافی فالانتر نیستند. به این "برادر" جوش آورده غیرتی بلافاصله پست و مقام متناسب با شدت وحدت عربده کشی اش داده می شود، و اونیز اگر این ارتقای درجه موافق تبعیض باشد بلافاصله به جای عربده کشی به کرنش می پردازد. این غائله هنوز کاملا نخواستاریده است که یک شید دیگر به فالانتر بازی رو می آورد. اما به همه که نمی توان تند تند پست و مقام داد! اینجاست که قانون تنازع بقا به داوری می نشیند: آنهایی که سر سفره غارت نشسته اند بین خود دسته کشی می کنند و هر دسته می کوشد دیگری را پس زند. در این میان هر دسته ای تلاش می کند خود را فالانترتر و حزب الهی تر معرفی کند.

حتما شما تا کنون از این فالانتر بازی ها زیاد دیده اید. ما در ضمیمه "فرهنگی-هنری" روزنامه جمهوری اسلامی دوم دی ماه نمونه تازه ای از این کمدی را مشاهده کرده ایم. این ضمیمه "فرهنگی-هنری"، مقاله ای در نقد "شکل و محتوای کتاب های درسی" به چاپ رسانده به قلم فالانتر تازه نفسی به نام "رحمانی". این موجود، از این در باغ وحش وارد شده که در "کتابهای درسی" جمهوری، اسلامی، تفکرات ارتجاعی قرون وسطایی به اندازه کافی سلطه نیافته اند! طرف در این مقاله کلی هشدار داده و فریاد و اسلاما سر داده است و چوری برخورد کرده که انگار یکی از پیچیده ترین "توطئه های کفر جهانی" علیه جمهوری اسلامی را کشف کرده است.

با این کشفیات، بعید نیست که همین فردا ایشان به سمت مدیر کل آموزش و پرورش قم برگزیده شوند و نردبان ترقی را دوپله یکی ببیمایند. این طرف به راستی در فالانتر بازی، نکته سنجی و هوش و ذکاوت از خود نشان داده است. برخی از

تابشیر تابناک روز دامن گستراند
از فراز کوهسار دور برد امان صحرا
بوسه رگبار دشمن
دور از چشم عزیزان
سوی خاک و خون کشاند پیکر روئین ما را
همسر من از ندگی هر چند شیرین است اما
دوست دارم با تمام آرزو در راه انسانها بمیرم
دوست دارم کز نشیب جو بیبارزند گانی
قطره ای شفاف باشم، در دل دریا بمیرم
همسر من چهره برد امان مکش تا پاسد ار شب نگوید
همسری از رزم و راه شوهر خود شرم دارد
لاله ای خونین به روی سینه بنشان تا بگوید
همسر محکوم قلبی کینه توز و گرم دارد
همسر من
کودکانم را مواظب باش همچون چشمه ایست
تا نگیرد چهره شاد ایشان را گرد ذلت
روزگاری گر که پرسیدند از احوال بابا
گو که بالیهای خندان
کشته شد در راه ملت.

سرقت ادبی!

مایه گذاشته است. مثلا با حذف کلماتی از قبیل "انسان" و "ملت" که بوی "کفر" می داد و تبدیل آنها به "بیزدان" و "ایمان" شعر را "اسلامی" و به نام نامی خود ثبت کرد!

شعری را که در این صفحه می خوانید، توسط رفیق شهید سرگرد وکیلی عضو سازمان نظامی حزب توده ایران، کمی پیش از اعداش در سال ۲۲ سروده شد و نشان دهنده روحیه استوار او و ایمان خلل ناپذیرش به آرمانهای انقلابی است. این شعر، شعری مشهور و شناخته شده است که سالها الهام بخش زندانیان سیاسی و دیگر مبارزین بوده است.

علیرغم اشتها این شعر در جنبش انقلابی، زعمای قوم در جمهوری اسلامی، که هیچ چیز در آن حساب و کتابی ندارد، در روز روشن آنرا سرقت کرده و از آن خود نامیده اند. این مطلب با خواندن هفته نامه زن روز شماره ۹ شهریور برملا می شود. در صفحه ۵۲ این نشریه - که کلیشه آنرا در همین صفحه مشاهده می کنید - این شعر با کمی تغییر و تخریب به نام مصدعلی رجائی رئیس جمهور سابق و نخست وزیر اسبق چاپ شده است. ایشان البته در این شعر - کسی هم از "ذوق هنری" خود

تا بشیر تابناک روز
دامن الشاند فراز کوهسار دور
بوسه رگبار دشمن
در بناه دامن صحرا
دور از چشم عزیزان
روی خاک و خون کشاند پیکر مردانه ما را
همسر من زندگی هر چند شیرین است، اما
دوست دارم با تمام آرزوها در ره یزدان بمیرم.
از نشیب جو بیبار زندگان،
قطره ای شفاف باشم در دل دریا بمیرم.
همسر من سر به زانوی غم و حسرت مبر
تا یاغیان شب نگویند
این زن از تکرار نام همسر خود تنگ دارد
لاله ای خونین به روی سینه اش بنشان
تا مگر دشمن بگوید
همسر محکوم قلبی کینه توز و گرم دارد
همسر من
کودکانم را نگاهان باش
تا نگیرد چهره ی معصومان را گرد ذلت
روزگاری را، اگر احوال بابا از تو پرسیدند
با لبی خندان بگو، در شامگاهی سرد
کشته شد در راه ایمان

محمدعلی رجایی - زندان قصر ۱۳۵۶

انفجار هسته ای در نوادا

بی اعتنائی به افکار عمومی جهان

شنبه ۲۸ دسامبر (هفتم دی) آمریکا یک بمب میدروژنی به قدرت ۱۵۰ کیلو تن را در صحرای نوادا آزمایش کرده و بدین ترتیب، بی اعتنائی خود را به افکار عمومی جهان که طی هفته های گذشته خواهان پیوستن ایالات متحده به موراتوریوم اتحاد شوروی در زمینه انفجارهای هسته ای شده بود، به نمایش گذاشت. آزمایش هسته ای آمریکا در چارچوب برنامه "اس. دی. آی" (ابتکار دفاعی استراتژیک) - طرح نظامی کردن فضا - انجام گرفت. خبرگزاری شوروی تاس شانزدهمین انفجار هسته ای آمریکا در سال ۱۹۸۵ را "هدیه سال نو با عواقب وخیم" خواند. تاس خاطر نشان ساخت مطبوعات آمریکا به نقل از منابع رسمی و علمی، گزارش داده اند آزمایش نوادا، بخشی از آزمایش های هسته ای بوده است که برای تأمین انرژی سلاح های لیزر فضایی و سایر سلاح های جدید در چارچوب برنامه جنگ ستارگان صورت می گیرد. تاس می افزاید واشنگتن علی رغم ادعاهای کاخ سفید دایر بر تلاش برای کاهش خطر هسته ای، همچنان مشی گسترش زرادخانه های هسته ای بر روی زمین و کشتادن مسابقه تسلیحاتی به فضا را ادامه می دهد.

موافقتنامه پایان جنگ داخلی لبنان

پس از سه ماه مذاکره، شنبه هفتم دیماه در دمشق میان سه گروه مهم از طرفهای درگیر جنگ داخلی لبنان، موافقتنامه ای پیرامون پایان دادن به جنگ داخلی و نیل به وحدت ملی به امضا رسید.

موافقتنامه مزبور در حضور عبدالحمید خدام معاون رئیس جمهوری سوریه به امضای نبیه بری، رهبر جنبش امل، ولید جنبلاط، رهبر حزب ترقیخواه سوسیالیست والی عبیقه، فرمانده شبه نظامیان راستگرایسید.

موافقتنامه دمشق علاوه بر برقراری فوری آتش بس، یک سلسله اقدامات اساسی برای عادی ساختن اوضاع را پیش بینی می کند. از آن جمله باید به ویژه از تغییر تدریجی سیستم سیاسی - مذهبی کشور نام برد.

امضاکندگن موافقتنامه دمشق، توافق کردند که دولت جدیدی تشکیل شود، قانون اساسی جدیدی تدوین گردد، قانون انتخابات تغییر یابد، انتخابات پارلمان انجام شود و سلاح های سنگین شبه نظامیان تسلیم ارتش لبنان گردد.

رفیق جرج حاوی، دبیر کل حزب کمونیست لبنان، امضای موافقتنامه دمشق را کام مهمی در راه ساختمان لبنان نوین خواند.

دبیر کل سازمان ملل، رژیم آپارتاید را محکوم کرد

زندانی کنگره ملی آفریقا را در حالیکه عازم منزل خود در سووتو بود، دستگیر کرد. روز بعد یک دادگاه ژوهانسبورگ خانم ماندلا را به قید ضمانت آزاد نمود. تنها "جرم" وی این بود که علی رغم دستور پلیس، می خواست به خانه خود در سووتو برود.

از سوی دیگر رژیم آپارتاید اعلام کرد ۷۴ سازمان مترقی از این پس اجازه برگزاری گردهمایی نخواهند داشت. از آن جمله اند "جبهه متحد دمکراتیک" و کمیته "آزادی نلسون ماندلا". این ممنوعیت تا پایان ماه ژوئن در ۲۰ ناحیه کشور، به ویژه در استان کاپ، برقرار خواهد بود.

اعتراضات گسترده جهانی به جنایات رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی ادامه دارد. خاویر بریزو و کوئیبار، دبیر کل سازمان ملل متحد ضمن اشاره به بحرانی که سیاست آپارتاید در این کشور ایجاد کرده، اظهار داشت: بازداشت های غیر قانونی، ممنوعیت های گوناگون، کوچ دادن اجباری اهالی و تجاوز به حقوق شهروندان بیگناه از همه نژادها همه آنها را که خواهان حفظ حقوق بشر و اصول منشور ملل متحد هستند، نگران می سازد.

در روز ۲۰ دسامبر ۱۹۸۵، پلیس رژیم آپارتاید ویسی ماندلا، چهره برجسته جنبش آزادیخواهانه مردم آفریقای جنوبی و همسر نلسون ماندلا رهبر

کنگره

حزب کمونیست هند (مارکسیست)

دوازدهمین کنگره حزب کمونیست هند (مارکسیست) در کلکته برگزار شد. در این کنگره، قطعنامه ای به تصویب رسید که در آن گفته می شود گامهای واقعی خلع سلاح بر پایه نتایج ملاقات سران شوروی - آمریکا در ژنو تنها زمانی صورت خواهد پذیرفت که ایالات متحده از برنامه "جنگ ستارگان" چشمپوشی کند. قطعنامه می افزاید اتحاد شوروی نه تنها پیشنهاد های سازنده متعددی برای قطع مسابقه تسلیحاتی بر روی زمین و جلوگیری از آغاز آن در فضا ارائه نموده، بلکه سیاست صلح سازنده خود را از طریق اقدامات یکجانبه عملی نیز به اثبات رسانده است. ح. ک. ه. (م. م) بر عزم راسخ خود برای مبارزه در راه تحکیم وحدت نیروهای چپ دمکرات کشور تأکید ورزید.

آمریکادرتدارک حمله به لیبی

دولت آمریکا تهدید کرده است که علیه لیبی دست به اقدامات نظامی خواهد زد. به سفارش ریگان، ستاد ارتش ایالات متحده فهرستی از اهداف احتمالی حمله نظامی به لیبی را به رئیس جمهور ارائه نمود.

آمریکا برای توجیه این تهدید علنی به استفاده از قهر - که حتی در صورت جامه عمل نبوشیدن نیز مغایر حقوق بین المللی است - مدعی است لیبی در اقدامات تروریستی دست داشته، و بخشی از مسئولیت حملات تروریستی به فرودگاههای رم و وین رابر عهده دارد. واشنگتن خود را ملزم به ارائه هیچگونه دلیلی برای اینگونه ادعاها نمی بیند و تنها با ذکر اینکه "هر دولتی حق دارد در برابر تروریسم از خود دفاع کند" برای خود حق تجاوز به کشورهای مستقل را قائل شده است. دولت اسرائیل نیز با فرمول بندیهای اینچنینی، تهاجم هوایی به تونس در ماه اکتبر را که طی آن ۶۰ نفره قتل رسیدند، زمینه چینی کرد.

اخبار کوتاه

* اومبرتو ارتگا وزیر دفاع نیکاراگوئه اعلام کرد در سال ۱۹۸۵ نیروهای مسلح مردمی ساندینیست در حدود ۴۶۰۰ ضد انقلابی را کشته و جمع کثیری از آنان را زخمی کرده و با به اسارت گرفته اند. وی افزود ۱۱۰۰ سرباز ساندینیست در مبارزه با ضد انقلاب جان خود را از دست داده اند.

در سال ۱۹۸۵ باندهای ضد انقلابی نیکاراگوئه طی حملات خود به روستاهای این کشور ۲۸۱ غیر نظامی، از جمله زنان و کودکان را به قتل رساندند.

* به گزارش رادیو کابل، امان الدین امین، که یک فرد غیر حزبی است، بعنوان معاون جدید نخست وزیر افغانستان منصوب گردید. همچنین چهار وزیر مشاور غیر حزبی به عضویت کابینه افغانستان در آمدند. ترمیم کابینه افغانستان، در رسانه های گروهی به عنوان نشانه تحکیم دولت انقلابی این کشور و گسترش پایگاه اجتماعی آن قلمداد گشت.

* آلان کارسیا، رئیس جمهور پرو اعلام کرد حوزه ها و تاسیسات نفتی متعلق به شرکت آمریکایی بلکو در پرو به مالکیت شرکت دولتی نفت پرو در آمده اند.



آفریقای جنوبی در راه به گورسپردن آپارتاید

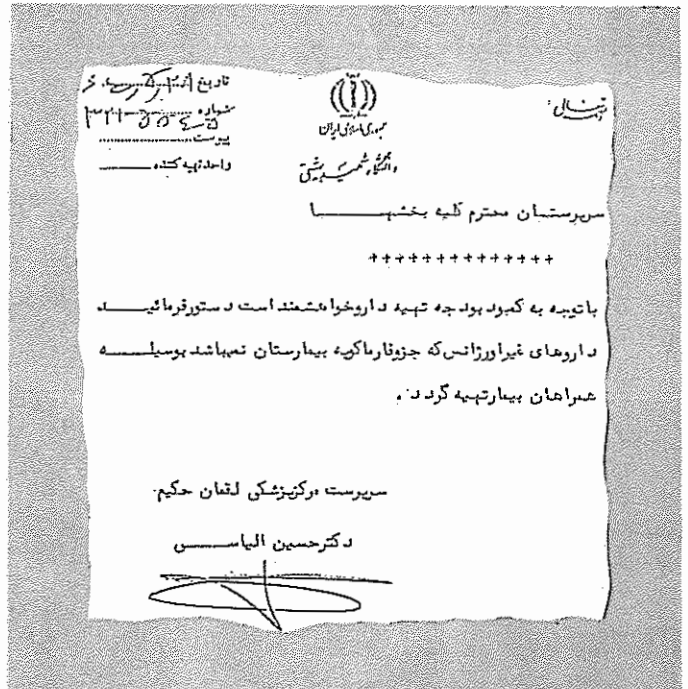
در بیمارستانهای دولتی نیز ، هزینه درمان برعهده بیمار است

دو بخشنامه ای را که در این صفحه ملاحظه می کنید نمونه هایی از بخشنامه های مشابهی است که برای کلیه بیمارستانهای دولتی در سطح کشور طی سال جاری فرستاده شده است. بخشنامه ها خود گویا هستند. طبق مفاد یکی از آنها، بیماران بستری شده در بیمارستان های دولتی باید خود بخش اعظم داروهای مورد نیاز را تهیه نمایند و هزینه آن را بپردازند. بخشنامه دوم، مسئولین بیمارستانهای دولتی را موظف می کند که از بیماران مراجعه کننده به این بیمارستانها برای بستری شدن، مطالبی تحت "پرداخت" اخذ نمایند. بدین ترتیب در بیمارستانهای دولتی نیز همانند بیمارستانهای خصوصی بیماران ناچارند هزینه دارو و درمان را خود تامین کنند. این امر حتی شامل بیماران اورژانس نیز می شود. علاوه بر این، بخشنامه مزبور، سرپرستان بیمارستانها را مقید می کند که به هیچ رو بیمار را بلافاصله پس از



فاصله در اثر بیماری در گذشته اند. علت صدور این قبیل بخشنامه ها روشن است. دریکی از آنها رسماً "کمبود بودجه" نام برده شده است درحالیکه در سال جاری رقم اعلام شده بودجه جنگی ۱۳۰۲/۶ میلیارد ریال بوده است، برای بهداشت و درمان کشور تنها ۱۹۴ میلیارد ریال بودجه مقرر داشته اند از این مبلغ ناچیز نیز بخش قابل توجهی به نیازهای تخصصی و علاوه بر آن بخش مهمی از پرسنل

مراجعه به بیمارستان بستری نکنند. بیماران ابتدا باید برای گرفتن "مهر پذیرش" اقدام کنند. قاعدتاً نوبتی که به بیماران داده می شود، چندین ماه پس از تاریخ مراجعه است و کم نبوده است مواردی که طی آن بیماران در این



شماره ۳ دی ۱۳۶۴ - ۱۱ ربيع الآخر ۱۴۰۶
با فشاری مالکان

۳۰ در مانگاه تهران

با صدور حکم تخلیه در آستانه تعطیل قرار گرفت

حکم تخلیه مرکز روان پزشکی هدایت شده آینده به اجرا گذاشته می شود.

مرکز روان پزشکی گانه می نمود ، این در حالی است که بیمارستان روانی است ۳۰ در مانگاه دیگر در آستانه تخلیه قرار گرفته اند.

برابر فشاری مالکان حکم تخلیه مرکز روانی حمایت های خانه دیگر در

زحمتکش نهاده است. اسناد این صفحه حاکی از آن است که امکانات ناچیزی که در بیمارستانهای دولتی وجود داشت حذف گردیده و در سطح کشور دیگر هیچ امکانی برای درمان رایگان بیماران باقی نمانده است.

صفحه ۱۹
دوشنبه ۲۷ آبان ۱۳۶۴

کیمیای

روز تعطیل بود، دختر ۸ ساله ام روی دستم مانده بود و در تب، میسوخت. دلم میخواست من جای او میسوختم. هرچه کردم تبش کم نشد. تلاش همسایگان نیز بی نتیجه ماند. فرزندم را بناچار در اغوش گرفتم و به خیابان زدم. همچنان بالا میرفتم. بهمه التماس می کردم بالاخره مرا به بیمارستانی رساندند. فرزندم را به بهانه های واهی نمی پذیرفتند، به بیمارستان دوم و سوم رفتم آنها هم سرشان شلوغ بود و اصلاً با من حرف نزدند چه رسد که بچهارم را معالجه کنند. نوسیدانه به بیمارستان کودکان در خیابان طالقانی رسیدم آنها منت سرم گذاشته و فرزندم را پذیرفتند اما نه به این آسانی ها. اول از همه مسئول پذیرش از من خواست تا ۵ هزار تومان بپردازم، ۳ هزار تومان بیشتر نداشتم، نپذیرفتند، التماس کردم که فرزندم را بستری کنند تا بقیه پول را تلفن کنم بیاورند باز هم نپذیرفتند. تب، بچه را کلافه کرده بود. فرزندم دیگر قادر به حرف زدن نبود. گریه آمانم نمی داد با همان حال تزار خواستم حلقه و انگشتری طلاهایم را در مقابل ۳ هزار تومان بقیه بگویم بگذارم، قبول نکردند. بالاخره ۷ ساعت بعد که فرزندم فقط با مجوزه زنده مانده بود، پول، این حلال مشکلات تاجر ما بان روزگار ما از راه رسید و ناز گل را بستری کردند حالا این اولین خوان از هفت خوانی بود که من باید با آن حال بپردازم می کردم. بعد گفتند سرم نداریم، شیشه رفتم از بیرون سرم خریدم، بعد گفتند درجه نداریم، آن را هم رفتم خریدم، البته این خریدها کارما و بیمارستان را به صبح کشاند و هنگامی که خورشید طلوع می کرد گناز تبش قطع شده بود و من فرصت یافتم تا بیاندیشم به اینهمه بی انصافی و بی عدالتی آیا ما که در انسان دوستی شهرت داریم آیا ما که در مقابل آنهم تمدن و پیشرفت غرب فقط عاطفه برامان مانده است و از همه اینها گذشته آیا ما که نام خود را مسلمان گذاشتیم و باید به آن بهالیه روایت که با هم چنین کنیم؟ دلم به حال آنها که تازه همین پول را ندارند که خرج بچهارم کنند سوخت و جگرم آتش گرفت که شبه من در این شهر بی در و بیکر زیادند و بچه هایی که بیخاطر همین ۳ هزار تومان از دست رفتند بسیار.

مادر ناز گل

A KSARIYAT
NO. 89
MONDAY JAN 6 , 86
Address: آدرس:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W . GERMANY

و امکانات درمانی کشور صرف معالجه مجروحین جنگی شده است. رژیم جمهوری اسلامی که در تامین هزینه های جنگی آن همه کاشده دست است، و روبروز از هزینه های درمانی می زند و اکنون تقریباً تمامی آن را بر دوش مردم

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا!